



انترناسیونال

۳۰۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۵ تیر ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

ده خواست فوری مردم!

صفحه ۱۲



رژیم اسلامی در محاصره انقلاب مردم بیانیه حزب کمونیست کارگری

اکنون تردیدی نیست که تظاهرات های میلیونی روزهای گذشته که با مقابله وحشیانه جمهوری اسلامی به يك جنگ تمام عیار خیابانی بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر در تهران و اصفهان و تبریز و شیراز و بسیاری شهرهای دیگر تبدیل شد، نه جنبش "طرفداران موسوی" بود، نه "انقلاب مخملی" و نه محدود به "جنبش اعتراض به تقلب انتخاباتی". این به میدان آمدن میلیونی مردم بر علیه کل نظام حاکم اسلامی بود. چنانکه در بیانیه ۲۴ خرداد اعلام

صفحه ۲

شنبه ساعت ۶ به یاد ندا در خیابانها

ندا را کشتند!
این جانیان را سرنگون میکنیم

صفحه ۳

کارگران بر میخیزند

شها دانشفر ص 9

یادداشت هایی بر یک انقلاب پایتخت ترور!

مصطفی صابر ص 11

انقلاب جاری و نیروهای درگیر در آن مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۴

۲۶ ژوئن (۵ تیر) روز همبستگی جهانی با کارگران ایران

صفحه ۱۴

نامه حمید تقوایی به:

- سران دولتها و دبیر کل سازمان ملل
- سازمان پزشکان بدون مرز
- بانکها و نهادهای مالی در جهان

صفحه ۳

جمهوری اسلامی در خارج هم در آستانه سرنگونی قرار گرفته است

مصاحبه با خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج حزب

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نامه حمید تقوایی به بانکها و نهادهای مالی در جهان

به سران دولتها و دبیر کل سازمان ملل

ایران ما از شما می خواهیم که از مشروعیت بخشیدن و حمایت از این رژیم دست بردارید. سقوط رژیم اسلامی پشت جنبش اسلام سیاسی را در سطح دنیا خواهد شکست و مبشر طلوعی جدید برای مردم ایران و همه دنیا خواهد بود.

من در انتظار عکس العمل و اقدامات فوری شما هستم.

با احترام

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ ژوئن ۲۰۰۹

به نمایندگی مردم ایران از شما می خواهم هر چه سریعتر ارتباطات سیاسی خود را با حکومت جمهوری اسلامی ایران قطع کنید، سفارتها و کنسولگریهای آنرا ببندید و حکومت اسلامی را از سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی اخراج کنید.

حوادث اخیر ایران مجدداً و بطور واضحی تاکید میکند که حکومت اسلامی مطلقاً هیچ مشروعیتی ندارد. این رژیم به هیچ عنوان مردم ایران را نمایندگی نمی کند.

در این مقطع حساس سیاست

و باید به آنان بازگردانده شود.

۳- حزب کمونیست کارگری ایران محق است که از همه ابزارهای قانونی که در اختیار دارد استفاده کند تا جلوی این اعمال را گرفته و طرفین دخیل در آنرا افشا کند. این اختلاس و دزدی محسوب می شود. اینکار غیر قانونی و غیر قابل قبول است.

من در انتظار عکس العمل و اقدامات فوری شما هستم.

حمید تقوایی

دبیر کل حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

نامه حمید تقوایی به سازمان پزشکان بدون مرز

رفتار دولت نسبت به زخمیها اعتراض کنند. گفته می شود که ماموران رژیم مانع تماس صدها نفر از زخمیها با خانواده هایشان شده اند و یا اینکه آنها را بزور از روی تخت بیمارستان بیرون کشیده و به زندانها برده اند.

در این شرایط حساس ما از سازمان شما می خواهیم که در این مسئله دخالت کرده و یک گروه را به ایران اعزام کنید که اطمینان حاصل شود تظاهرکنندگان زخمی به موقع معالجات و توجه پزشکی لازم را دریافت می کنند. در انتظار عکس العمل و اقدامات فوری شما هستم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

در سیاست ایران حزب کمونیست کارگری با قدرت و بدون تزلزل نمایندگی میکند. پیوستن به حزب و برپایی حوزه ها و ستاد های آن در هر کارخانه و محله و دانشگاه و مدرسه، بردن شعارها و سیاستها و فراخوان های حزب بین مردم، که هرروزه از کانال جدید طرح میشود، برقراری رابطه محکم و منظم با رهبری حزب و تبدیل آن به ستاد عملی رهبری کننده مبارزات و اعتراضات مردم، شرط پیروزی انقلاب حاضر است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۳۸۸، ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹

مدیریت محترم سازمان پزشکان بدون مرز
من به نمایندگی مردم ایران در این نامه از سازمان شما می خواهم که سریعاً به کمک کسانی که در اعتراضات هفته های اخیر توسط ماموران جمهوری اسلامی زخمی شده اند شافته و آنها را یاری دهید.

همانطور که می دانید دولت ایران به تظاهر کنندگان حمله کرده و بطرز وحشیانه ای آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و حتی به گلوله بسته است. گزارشاتی که به ما رسیده حاکی از آن است که دهها نفر در این مدت کشته شده اند. خانواده کشته شدگان میگویند که نیروهای انتظامی درخواست پولی معادل ۳۰۰ دلار کرده اند که اجساد عزیزانشان را به آنها پس بدهند. ما همچنین گزارشاتی دریافت کرده ایم که دکترها و پرستاران در بعضی از بیمارستانها به خیابان رفته اند که به

آخر رهبری کند و به پیروزی برساند که نمی خواهد هیچ گوشه ای از جمهوری اسلامی را حفظ کند. که نمی خواهد اسلام "لطیف و خوش خیم" را سرکار بیاورد، بلکه می خواهد آنرا تماماً از حکومت پایین آورد و به کنج باورهای مومنین براند. که هیچ نفعی در استبداد و اختناق ندارد، نمی خواهد یک ذره آزادی بدهد بلکه تمام آزادی را می خواهد. نیرویی که با هیچ گونه تبعیض چه جنسی، چه مذهبی و چه قومی سر سازش ندارد. نیرویی که هیچ نفعی در استثمار و نابرابری اقتصادی ندارد بلکه می خواهد برای همیشه به استثمار و جهان وارونه کنونی پایان دهد. این نیرو را اینک

مطالباتی که همه جا با قدرت مطرح شود و جمهوری اسلامی را بیش از پیش به عقب راند، یکی از مهمترین گام هاست. معرفی و محاکمه عاملین و آمرین کشتارها، آزادی اجتماع و اعتصاب و بیان، لغو حجاب و آپارتاید جنسی، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و یک میلیون تومان حداقل دستمزد فوری ترین خواسته هایی است که باید در اجتماعات و اعتراضات و تظاهرات ها مطرح شود. همچنین تا آنجا که به شکل مبارزه برمیگردد، ضمن تداوم تظاهرات ها و شعار دادن های شبانه، باید اشکال دیگر اعتراض نظیر تحصن و اعتصاب را در دستور گذارد. سازمانیابی توده ای نظیر تشکیل کمیته های اعتصاب و هسته های جوانان محل و غیره اکنون باید مورد توجه قرار گیرد.

باید در هر کارخانه و مدرسه و بیمارستان برای اعتصابات سراسری آماده شد. باید هر محله و خیابان را به سنگر انقلاب تبدیل کرد.

اما مهمترین مساله، تامین رهبری سیاسی هوشیار، رادیکال و توانایی است که انقلاب را از مراحل مختلف بدرستی عبور بدهد. تردید نباید کرد که چه دار و دسته های مختلف جمهوری اسلامی و چه جریانات بورژوازی کمی دورتر و بیرون از رژیم خواهند کوشید تا مراحل و ایستگاه های متعدد تعریف کنند تا مگر مردم و انقلابشان را در نقطه ای به سازش بکشانند و جمهوری اسلامی و استبداد و بی حقوقی و نابرابری را حفظ کنند. نیرویی میتواند این انقلاب را تا به

بطور غیرقانونی و جعل و کلاهبرداری آنرا تصاحب کرده اند. حزب کمونیست کارگری و مردم و دولت آینده ایران، هر نوع همکاری و کمک به تسهیل این نقل و انتقال را همدستی با این دزدیها قلمداد کرده و آنرا مغایر منافع مردم ایران می داند.

۲- نباید برای سران و مقامات رژیم چنین حسابهای بانکی باز شوند. همه اطلاعات مربوط به حسابهای فعلی باید علنی شده و در دسترس تحقیقات قانونی قرار گیرند. همه حسابهای فعلی باید سریعاً بسته شده و موجودیهای آن مسدود شوند. این اموال متعلق به مردم ایران است

بیانیه حزب ...

است. مردم طعم قدرت عظیم خود را چشیده اند و اکنون با اعتماد به نفس بیشتر در سیاست و تغییر اوضاع دخالت خواهند کرد. توازن قوای سیاسی و روانی کاملاً به زیان رژیم و به نفع مردم تغییر کرده و اعاده اوضاع سابق ممکن نیست. کشتارها و جنایات وحشیانه ای که رژیم در طی چند روز اخیر مرتکب شده است تنها انزجار عمومی و عزم و اراده مردم برای به گور سپاردن کل رژیم را محکم تر کرده است. اعتراضات اخیر یک وضعیت فوق العاده و حالت حکومت نظامی دوفاکتور را به رژیم اسلامی تحمیل کرده و ساختار رسمی رژیم را در هم ریخته است. دعوای جناح ها و دار و دسته های رژیم که در جریان انتخابات بسیار حاد شد اکنون بمراتب عمیق تر شده، سرتا پای رژیم اسلامی را فرا گرفته و تا سرحد درگیری های خونین درونی پیش رفته است. حالت فوق العاده و فلج کنونی برای رژیم قابل دوام نیست و در همانحال بازگشت به وضعیت عادی بدون عقب نشینی رژیم در برابر مردم و حل و فصل دعوای درونی قابل تصور نیست. رژیم اسلامی بر سر یک دوراهی قرار گرفته است که هر دو به بن بست ختم میشود.

همه چیز بر محاصره همه جانبه تر رژیم اسلامی توسط انقلاب مردم دلالت دارد. انقلاب برای پیروزی بر جمهوری اسلامی باید گام های بلافصل پیشروی خود را بدقت تعریف کند. تعیین خواسته ها و

با عمیقتر شدن بحران سیاسی در ایران و متزلزل شدن پایه های رژیم جمهوری اسلامی در برابر انقلاب مردمی، شواهد زیادی در دست است که مقامات رژیم، آیت الله ها، و سران و عوامل بالای حکومتی بشدت مشغول منتقل کردن دارائیهای عمومی به حسابهای شخصی خود در کشورهای دنیا هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران بوسیله این نامه به نمایندگی مردم ایران به همه بانکها و نهادهای مالی اخطار میکند:

۱- همه این اموال دارائی قانونی مردم ایران است و افراد مربوطه

از صفحه ۱

علیرغم سفاکانه ترین سرکوب، شکست زده کرد. تا همینجا انقلاب ایران احترام و حمایت شورانگیز مردم جهان را برانگیخته است. بسیاری تلقیات، دگم ها و دروغ هایی که دستگاه مهندسی افکار طبقات حاکم طی دهه های گذشته پرداخته بود را نقش بر آب کرد. معلوم شد مردم ایران اسلامی نیستند؛ حاکمیت حجاب و سنگسار و آخوند نمی خواهند؛ فرهنگی متفاوت از فرهنگ عقب مانده و شرفزده حکومت دارند؛ بسیار متمنلند و مثل ساکنین برلین و پاریس بهترین های جهان امروز را میخواهند. فرهنگ والای انقلاب و عکس العمل سبعانه جمهوری اسلامی نه فقط رژیم جنایتکار ایران که کل جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی را بشدت بی آبرو و تضعیف کرده است. انقلاب همچنین دول غرب که سالهاست ریاکارانه با این جنبش ارتجاعی مماشات میکنند را دچار مخمصه شنیدنی کرده است. اکنون سیاستمداران غربی به صرافت افتاده اند که چگونه میتوانند با رژیم جنایتکار اسلامی که مردم را چون ندا آقا سلطان در پیش چشم جهانیان با قساوت میکشد، روابط گذشته را ادامه دهند. انقلاب در اولین قدم خود جمهوری اسلامی را به چنان موقعیتی در افکار عمومی جهان و سیاست بین الملل رانده است که رژیم منفور آپارتاید نژادی به آن دچار بود. در داخل ایران نیز انقلاب تا همینجا جامعه را زیر و رو کرده

شنبه ۶ تیر، روز "ندا" روز "آزادی برای همه" است! در سراسر ایران و همه دنیا به خیابان بیایید!

جمعی از مردم کرمانشاه در اطلاعیه ای همه مردم این شهر را فراخوانده اند که روز شنبه در هفتمین روز مرگ ندا ساعت ۶ عصر در شهر اجتماع کنند و به قاتلان ندا اعتراض کنند. این پیشنهاد مردم کرمانشاه باید از سوی همه مردم ایران و همه مردم جهان مورد استقبال قرار گیرد.

ندا دختر ۲۷ ساله ای که بخاطر "آزادی برای همه" به خیابان آمده بود و با گلوله حکومت اسلامی در قلب پرشورش پاسخ گرفت، بدرستی سمبل انقلاب در ایران است. آنچه که در ایران میگذرد حقیقتاً انقلابی زنانه است، انقلابی برای "آزادی برای همه" است.

کانال جدید فراخوان مردم کرمانشاه را به گوش همه مردم رساند. ما همه مردم ایران در کرمانشاه و تهران و همه شهرها و همینطور در خارج کشور را دعوت میکنیم که روز شنبه ساعت ۶ عصر با عکس های ندا و دسته های گل به خیابان بیایند و فریاد اعتراض ندا را به گوش جهانیان برسانند. همه شهرها باید پر از عکس ندا و شعارهایی در محکومیت قاتلان ندا بشود. جمعه شب باید تمام ایران با فریاد اعتراض ندا بر پشت بام ها خواب را بر قاتلان ندا و حکومت جلال اسلامی حرام کند. همه کارگران و کارمندان و معلمان و پرستاران روز شنبه در هفتمین روز قتل ندا کار را متوقف کنند و به یاد ندا و دهها کشته اعتراضات اخیر و دهها هزار قربانیان رژیم اسلامی یک دقیقه سکوت کنند. از همه ایرانیان ساکن کشورهای مختلف و همه آزادیخواهان جهان دعوت میکنیم که روز شنبه ساعت ۶ عصر به یاد ندا و سایر ندهائی که اکنون برای رهایی از شر حکومت اسلامی در ایران بیخاسته اند اجتماع کنند و همبستگی خود را با انقلاب انسانی مردم ایران اعلام نمایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ ژوئن ۲۰۰۹، ۴ تیر ۱۳۸۸



They killed Neda!
We will overthrow these murderers!

ندا را کشتند!
ایم چایم و
سرنگون می کنیم!

W/P

ندا طرفدار هیچ جناح حکومت نبود
ندا خواهان آزادی برای همه بود

ندا آقا سلطان در درگیری های روز شنبه ۳۰ خرداد با گلوله جنایتکاران حکومت اسلامی قلبش از حرکت باز ایستاد. او به سمبل تمام جانبختگان انقلاب علیه حکومت مبدل شد. دوست و نامزد او میگوید "ندا فوق العاده به من نزدیک بود. ندا هرگز طرفدار هیچ یک از این دوگروه نبود. ندا خواهان آزادی بود. آزادی برای همه. هدف ندا نه احمدی نژاد بود نه موسوی. ندا بارها گفته بود حتی اگر جانش را از دست بدهد و گلوله به قلبش بخورد در همین راه قدم برخواهد داشت. ندا با سن کمش درس بزرگی به خیلی ها داد"

ندا هرگز فراموش نخواهد شد. قاتلان ندا را به محکمه خواهیم کشید

مرگ بر جمهوری اسلامی



انقلاب جاری و نیروهای درگیر در آن مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید



انبوهی راهپیمائی میکرد. میخواهم بگویم مردم وقتی به خیابان ها می آیند همه خیابانها مملو از جمعیت میشود. مردم متوجه شده اند با حضور توده ای در خیابانها و با قدرت جمعیت باید نشان بدهند که از این وضعیت ناراضی هستیم و قبول نداریم.

به نظر من جناح موسوی میخواهد وانمود کند که این جنبش جنبش ضد تقلب است ولی چهارچوب نظام را قبول دارد. وانمود کند که اصلا اعتراضی مردم ندارند غیر از همین تقلب و می گوید سکوت کنید چون میدانند که اگر مردم شعار بدهند به سرعت از مساله انتخابات فراتر میروند. امروز در فیلم ها دیدم که طرفداران موسوی پلاکاردهای از پیش تهیه شده ای به دست مردم می دادند. شعارهای دست مردم ولسی اگر مردم شروع کنند به شعار دادن با انتخابات قبول نیست شروع میکنند و شعار دوم میشود زندانی سیاسی آزاد باید گردد شعار سوم می شود شه و مرگ بر دیکتاتور. چون شعار توده ای مردم را نمی توان کنترل کرد و برای مردم متنفر از این اوضاع يك شعار درست مثل يك جرقه در يك انبار کاه است وقتی يك نفر حرف دل مردم را شعار بدهد به سرعت توده ای میشود. به این عنوان که بهانه دست کسی ندهیم یا يك عده کشته شده اند سکوت را توصیه میکنند. این بالاخره بخشی از عزاداری است مثل لباس سیاه و یا برویم در تکیه ها و مساجد و راهپائی از این قبیل. ببینید جمهوری اسلامی يك حکومت قبرستانی است که يك رکن کارش عزاداری است، مرگ و میر است، مسجد برویم، گریه کنیم تو سر بزیم.

این جناح رفسنجانی - موسوی هم از بد حادثه به اینجا رانده شده که خیابانها را کنترول کنند. جناح فقیه مردم را اراذل و اوباش میخواند و به آنها شلیک می کند و جناح مقابل هم میگوید عزیزانمان کشته شده اند عزاداری کنیم و سکوت کنیم و الله اکبر بگوئیم. مثل اینکه عزیزان ما در زلزله کشته شده اند، عزیزان ما کشته شده اند به خاطر اعتراض به همین دیکتاتوری عزا، دیکتاتوری سیاه،

است. شعارهای صریحتر و شفاف تری مثل جمهوری اسلامی نمی خواهیم که دیگر نیازی به تعبیر و تفسیر ندارد.

بموازات این مبارزه توده ای و میلیونی جناح های حکومتی تلاش میکنند این حرکت را در قالب دعوی باین خودشان نگهدارند. وانمود کنند مساله بر سر تقلب در انتخابات است. از جمله چیزی که امروز دیدیم این بود که يك ساعت سکوت اعلام شد! میگویند سکوت کنیم تا بهانه به دست جناح مقابل ندهیم! خیلی جالب است سی سال است زبان مردم را بریده اند و حالا هم که "اپوزیسیون" شده اند مردم را به سکوت دعوت میکنند!

يك مثلی داریم که سکوت علامت رضا است. در سیاست هم سکوت به معنی رضایت دادن به وضع حاضر است. از مردم میخواهند در برابر رژیم که سی سال است دهان مردم را بسته و زبان کارگر را بریده و نویسندگان معترض را با قتلها زنجیره ای سر به نیست کرده و هزار و يك جنایت دیگر کرده سکوت کنند! اما مردم میلیونی به خیابان می آیند تا حرفشان را بزنند. تا سکوت را بشکنند و فریاد بزنند مرگ بر دیکتاتور! جمهوری اسلامی نمیخواهیم! عاملین و آمرین این کشتارها را بما تحویل بدهید! و غیره. يك شعار مردم امروز این بوده "احمدی نژاد به هوش باش ما مردمیم نه اوباش!" کسی نمیتواند این سیل اعتراضی را به سکوت دعوت کند!

موسوی چپها توصیه میکنند لباس سیاه بپوشید یا اینکه گفتند به تکیه ها و مساجد بروید. اما این نوع "رهنمودها" در میان مردم حتی آنها که میخواهند از دعوی بالائی ها استفاده کنند کاربردی ندارد. بالاخره هم فراخوان دهندگان مجبور شدند مسجد و تکیه را کنار بگذارند و به تظاهرات خیابانی فراخوان بدهند. حرفشان را عوض کردند و گفتند به میدان امام خمینی بیایید. اما مردم همه جا بودند. اولین فیلم هایی که امروز آمده نشان میدهد در خیابان حافظ و بهجت آباد جمعیت

انتخابات برگزار می شود و در خیلی هایشان هم تقلب میشود اما هیچکدام به چنین جایی نمیرسند. خیلی روشن است که مساله مردم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است. در عین حال توجه به شکل و مکانیسمهای شکل گیری این حرکت هم مهم است. آن قالب و آن چتر و آن منفذی که به مردم اجازه داده به خیابان بیایند دعوی حادی است که در درون حکومت سر باز کرده است و همه فهمیده اند که جناحهای حکومتی این بار میخواهند از روی نعش همدیگر رد بشوند. شکل بروز مساله اینست که در انتخابات احمدی نژاد را از صندوق بیرون آورده اند. در همین سطح هم مساله تنها تقلب نیست. آنکسی که از صندوق بیرون آمده چهار سال رئیس جمهور بوده است، مورد حمایت کامل ولایت فقیه است و این یعنی خود حکومت اسلامی. این کل حکومت است که با "تقلب" انتخاب شده و مردم دقیقاً به همین معترض اند. اگر این تقلب به نفع موسوی بود این اصلاً نه مساله کسی میشد و نه بهانه اعتراضی کسی. در اینصورت مردم ناراضی شیوه های دیگری را برای اعتراضشان پیدا میکردند. اما امروز احمدی نژاد (و بهمهراه او فقیه) آماج حمله مستقیم مردم است چون چهاره سی ساله نظام جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند و با تقلب و یا بدون تقلب باید برود. مردمی که شعار میدهند مرگ بر دیکتاتور دارند به نظام دیکتاتوری حمله میکنند. هیچکس فکر نمیکند که قبل از احمدی نژاد دموکراسی داشته ایم و ایشان آمد یکدفعه شد دیکتاتور! در دوره خود موسوی کشتار وسیع زندانیان سیاسی در سال شصت و هفت اتفاق افتاد و جامعه این را فراموش نکرده. اگر یادتان باشد در دوره انتخابات مردم موسوی را موسوی ۶۷ نامیدند. و دانشجویان زنجان در حضور خود موسوی گفتند به جرم کشتار تابستان ۶۷ محکوم هستی. می خواهم بگویم شعار مرگ بر دیکتاتور حتی اگر کسی بگوید منظور احمدی نژاد است، احمدی نژاد را به عنوان سمبل سی سال حکومت دیکتاتوری نشانه گرفته

بین دو گروه از حکومتی ها. یعنی این تصور که تقلبی در انتخابات شد و این جنبش اعتراض به تقلب است با این خواست که موسوی برنده انتخابات است و باید احمدی نژاد برود و موسوی بیاید. این تعبیر در روزهای اول در میان بعضی ها رواج داشت و امروز هم بخصوص کسانی که می خواهند حکومت را نگه دارند سعی دارند بگویند اینطوری است و مردم با خود رژیم دعوی ندارند بلکه در انتخابات تقلبی شده است و این دلیل اعتراضاتشان است. روزهای اول شعار موسوی رای ما را پس بگیر طرح میشد اما هر چه از انتخابات دورتر میشویم این نوع شعارها رنگ می بازد و شعارهای تند تری علیه کل حکومت فریاد زده میشود. مثل هر حرکت و جنبش انقلابی، هر تحولی تبدیل میشود به انگیزه و موتور برای حرکت جدیدتر، مثلاً اینکه بیش از سی نفر در درگیریهای اخیر کشته شده اند و جمعیت شعار میدهد می کشم، می کشم، آنکه برادرم کشت یا عاملین و آمرین کشتارهای اخیر باید محکوم شوند. این مکانیسم پیشروی انقلاب است. امروز مساله دیگر تقلب انتخاباتی نیست. بلکه مرگ بر دیکتاتور شعار غالب و اصلی است. با این شعار نه فقط احمدی نژاد بلکه کل رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی آماج حمله مردم قرار میگیرد. شعارهای دیگری مثل اینکه جمهوری اسلامی نمی خواهیم توده ای میشود و حتی بر اساس گزارشی از شاهان عینی يك شعاری که بر دیوارها نوشته شده اینست که "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". این نوع شعارها در ادامه مبارزه مردم مطرح میشود و این سیر به نظر من کاملاً قابل انتظار بود. هر کسی که کمی سیاست را عمیق ببیند به خصوص قانونمندی تحولات اجتماعی و اعتراضات توده ای را بشناسد میدانند جنبش انقلابی در دامه خودش رادیکالتر و عمیقتر می شود و توده جمعیت و مردمی که در خیابان ها هستند هر روز بیشتر نشان می دهند اعتراضشان به کل وضعیت موجود است. در تحولات جاری هم دقیقاً همین را میبینیم. در بسیاری از کشورها

اصغر گویمی: با سلام گرم به بینندگان عزیز. گفتگویی داریم با حمید تقوایی در باره تحولات سیاسی جاری در ایران. امروز چه گذشت، چه اتفاقاتی دارد می افتد، شعارها و مطالباتی که حزب کمونیست کارگری مطرح می کند اهمیتشان چیست؟ ارتباطش با این وضعیت چیست؟ اوضاع به کدام سمت می رود و سیر محتمل اوضاع چیست؟ مردم باید چه کنند؟ فراخوان حزب چیست؟ اینها سوالاتی است که با حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران در میان می گذاریم. از اتفاقاتی که امروز افتاد شروع کنیم، امروز جمعیت کثیری از مردم در خیابانهای تهران بودند، گفته می شود، که جمعیت چند میلیونی، ۳ - ۴ میلیون، در خیابانهای مختلف بوده اند. در تهران، شعار می دادند و پلاکاردهایی حمل می کردند، از جمله زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، کارگر زندانی باید آزاد گردد، حکومت اسلامی نمی خواهیم، مرگ بر دیکتاتور و شعارهایی علیه احمدی نژاد. مردم همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند که خواهان محاکمه عاملین و آمرین کشتارهای اخیر بودند. همینطور شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد و مرگ بر دیکتاتور و مقایسه پلیس جمهوری اسلامی با پلیس اسرائیل اینها مضمون شعارها و مسائلی بود که به شکل مختلف یا به شکل داشتن پلاکاردهای متعددی که دست مردم بود اعلام میشد. يك جنب و جوش وسیع اجتماعی در خیابان ها بود و همچنین در شهر های مختلف در آمل، اصفهان، تبریز، شیراز و شهرهای دیگر. نظرتان نسبت به اوضاع کنونی چیست؟ تحلیلتان چیست از وضعیت کنونی؟

حمید تقوایی: اولاً خیلی روشن است که این اتفاقات بدنبال تحولاتی رخ می دهد که از تقریباً نزدیک به ۱۰ روز پیش از انتخابات شروع شد و این ادامه يك حرکتی که از قبل از انتخابات و در فضای تبلیغات انتخاباتی شروع شد. دو جور میتوان به اینها نگاه کرد: يك ارزیابی می تواند این باشد که این دعوی هست

از صفحه ۴ مصاحبه با حمید تقوایی

دیکتاتوری گریه، دیکتاتوری الله اکبر، یکی می کشد یکی تلاش میکند این جان باختن به حساب نظامی که آنها در اعتراض به آن کشته شده اند مصادره بشود و باز برود در جیب رژیم. می خواهم بگویم این کشاکش است بین جنبش خیابانی مردم علیه کل این وضعیت و اعتراض درون حکومتی علیه تقلب که می خواهد خیابان را کنترل کند.

اصغر گویمی: حمید تقوایی شما اشاره کردید به شعار مرگ بر دیکتاتور یا خواستها و مطالبات و شعارهایی که حزب کمونیست کارگری مشخصا مطرح کرده بود و از مردم خواسته بود که این شعارها را مطرح کنند، بر پلاکاردهایشان بنویسند، شعار بدهند مثل معرفی و محاکمه عاملین و آمرین جنایات، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، لغو مجازات اعدام، لغو حجاب اجباری و یا درهم شکستن جاسازی جنسیتی، ارتباط اینها با وضعیت کنونی و اهمیت این شعارها چیست، چرا این روزها این شعارها و خواستها اینقدر مهم هستند؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتم به نظر من خواست، هدف و مضمون واقعی اعتراضات مردم اینست که می خواهند از شر این حکومت دیکتاتوری ۳۰ ساله ی سرکوبگر راحت بشوند. حتی اگر کسی اینروزها اینرا در خیابانها شعار نمی دهد، با هر حسابگری که دارد، اگر شما شب بروید در خانه اش بشینید می گوید من رفتم در خیابان برای اینکه از دست این حکومت جانم به لب رسیده است. دیگر بس است، دیگر تحمل ندارم؛ و نه اینکه چه تقلب بدی شد، تقلب درست بشود زندگی ام بهشت برین خواهد بود، قبل از تقلب من راحت و آسوده بودم!

اصغر گویمی: خیلی ها هم روی خط تلویزیون می آیند می گویند دیگر ما خسته شده ایم از این وضعیت و دیگر نمی توانیم تحمل کنیم. **حمید تقوایی:** دقیقا همینطور است این مضمون واقعی این حرکت است. یک شعاری که این را نشان می دهد مرگ بر دیکتاتور است همانطور که الان توضیح دادم، ولی کاری که ما می خواهیم بکنیم مشخصا با این

در انقلاب ۵۷ مردم گفتند مرگ بر شاه و آن زمان نیروی روشن بین و انقلابی و پیشرویی مثل حزب کمونیست کارگری نبود که بگوید مرگ بر شاه یعنی اینها و در نتیجه شاه رفت و دیکتاتوری بدتری جای آنرا گرفت. این بار اجازه نمیدهیم مبارزه مردم مصادره بشود به نفع دیکتاتوری دیگری. مرگ بر دیکتاتور معنی دارد، معنی سیاسی و اجتماعی معینی دارد و اولین معنی اش اینستکه که حق اعتراضات و تظاهرات و اعتصاب و تشکل و تحزب به رسمیت شناخته بشود.

اصغر گویمی: یکی از بینندگان امروز سؤالی این بود که ما خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستیم و سرنگونی آن. دیگر چرا این خواسته ها را دارید مطرح می کنید؟ آیا سرنگونی با طرح خواستها که گویا از رژیم داریم خواستهایمان را مطالبه میکنیم تناقض ندارد؟ این دوست بیننده میگفت من رابطه این دو را نمی فهمم اگر ما خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستیم چرا مثلا آزادی زندانیان و محاکمه قاتلان و غیره را مطرح می کنیم؟ **حمید تقوایی:** ببینید این يك سؤال قدیمی است و ما هم همیشه این جواب را داده ایم که مبارزه برای سرنگونی از مبارزه برای خواستها و حقوق انسانی مردم جدا نیست. وقتی شما با يك حکومتی روبرو هستید که می خواهید سرنگونش کنید باید از هر طرف محاصره اش کنیم، پایه هایش را دانه دانه بیخ بزنیم، دستاوردهای بدست بیاوریم که به آن متکی بشویم و جلوتر برویم. باید این مبارزه اشکال مشخص و معینی داشته باشد، شعارها و خواستهای روشن و شفاف داشته باشد، که نتوانند تحریفش کنند و به شکستش بکشاند.

اصغر گویمی: اگر رژیم به برخی از این خواستها رضایت بدهد خود را از زیر فشار خارج نمیکند؟

حمید تقوایی: این خواستها عملا و بطور واقعی شعارهای مشخص جنبش سرنگونی است و نه مطالبات از حکومت. اگر حکومت به هر يك از این خواستها تن بدهد، این را جنبش مردم به آن تحمیل کرده است و این جنبش متوقف نخواهد شد چون بقدرت خود اطمینان پیدا کرده،

به یکی از اهداف خود رسیده و لذا تعرضی تر و قوی تر به پیش خواهد رفت. زمانی که زندانیان سیاسی آزاد شوند دیگر چیزی از عمر رژیم باقی نماند. یا فرض کنید جمهوری اسلامی تحت فشار مردم بیاید بگوید آزادی تظاهرات و اعتصاب و تحزب را به رسمیت می شناسم، خوب يك هفته ای جامعه خودش را متشکل می کند، حزبی مثل حزب ما توده وسیعی را با خودش همراه می کند و رژیم را جارو میکند. اینها شعارهای مشخص و کاملاً مجاب کننده و نیرو جمع کننده در جامعه هست که هم در خود اهمیت دارد و هم نهایتاً مبارزه برای سرنگونی حکومت را تقویت میکند و به پیش میبرد.

اصغر گویمی: حمید تقوایی برگردیم به تظاهرات امروز. حزب کمونیست کارگری از مردم خواسته بود امروز به میدان آزادی بروند و موسوی و کروبی و دیگران گفته بودند بروید تکایا و مساجد. تکایا و مساجد که روشن بود مردم نمی روند و میدان آزادی هم رفتند و در خیابان های مختلف تهران تجمع کردند. موسوی و کروبی از مردم خواسته بودند که سکوت کنند، بخشی سکوت کردند بخشی هم نکردند و شعار دادند و یا پلاکاردهائی خواستهایشان و حرفهایشان را مطرح کردند. يك کشمکش بود امروز. در چه فازی هستیم؟ معنی عملی این کشمکش چیست؟ قدم بعدی چیست؟ دو طرف دارند چکار می کنند؟ جناح موسوی و بقیه که جزئی از حکومتند الان فراخوان به تجمع میدهند و در تجمعات شرکت میکنند. يك طرف هم مردمی که از رژیم متنفرند و حزب کمونیست کارگری. چه کسی نهایتاً تعیین تکلیف می تواند بکند؟

حمید تقوایی: بله فراخوان ما مبتنی بر این سیاست بود که، همانطور که بارها توضیح داده ایم، جنبش مردم روی پای خودش بایستد. ببینید روز قبل (چهارشنبه) نزدیک به يك میلیون نفر بخوابانها آمدند درحالی که فراخوان را هیچ کس نداده بود. خبرگزاریهای خارجی و سایت های داخلی گفتند خودجوش بوده. مردم رفتند شعارهای خودشان را دادند و اعتراض کردند ما خواستیم به مردم بگویم که راهش اینست، روی پای خودتان بایستید، با شعارهای

خودتان به میدان بیایید، این قدرت را دارید، می شود اینکار را کرد و خواستیم راه نشان بدهیم و بگویم این مسیر است. این فراخوان گرچه تماما عملی نشد ولی نتایج مثبتی داشت. من هم در گزارشها خواندم که اعلام کرده بود "رسانه های بیگانه" فراخوان داده اند برای جای دیگری مردم بدانید آنجا نیست و ما می گویم میدان امام خمینی. قبل از آن بحثی از میدان امام خمینی نبود، بحث آن بود که تکایا و مساجد و چون می دانستند جمعیت در تکایا و مساجد بالاخره نمی گنجد، گفتند اطراف تکایا و مساجد در خیابانها. يك چنین معنایی میداد. ولی بعدا مسجد و غیره کنار گذاشته شد و حرکت تبدیل به راهپیمائی خیابانی شد.

نکته مثبت دیگر تاثیر رهنمودها و شعارهایی بود که ما مطرح کردیم مثل برحذر داشتن مردم از پوشیدن لباس سیاه و یا برداشتن حجابها و شعارهایی مثل آزادی زندانیان سیاسی و جمهوری اسلامی نمیخواهیم و غیره. این رهنمودها موثر بود. در تجمعات این روز البته مردم لباس سیاه هم پوشیده بودند اما همانقدر که به طور تصادفی در هر جمعیتی مردم لباس سیاه به تن دارد و یا عده ای بدون حجاب بودند و بخصوص در گزارشها بود که عده ای از زنان وقتی جلوی موسوی رسیدند حجابشان را برداشتند؛ و یا شعار و پلاکاردهای با مضمون آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه آمرین و عاملین کشتارها و غیره. ما به این سیاست ادامه خواهیم داد و خطی که دنبال میکنیم به نظر من تا اینجا نشان داده شده که خط و سیاست درست و موثری است. ما علاوه بر رهنمودهای مشخص، تبیین خود از اوضاع و چشم انداز این تحولات و خط سیر احتمالی آنرا منظم با مردم در میان میگذاریم و مدام تاکید میکنیم که این حرکت در جوهر خودش و مضمون خودش مستقیم و مضمون خودش مستقیم است و این جوهر و مضمون هر چه دورتر می شویم و از انتخابات فاصله میگیریم بیشتر خود را ابراز میکند. به نظر من زمان به نفع مردم است، زمان به نفع مردم و حزب است. اینها حالا حالا ها نمی توانند بسازند. امیدوارم در ادامه توضیح بدهم ولی در هر حال چیزی که امروز دیدیم به نظر من رادیکال تر شدن

از صفحه ۵ مصاحبه با حمید تقوایی

حرکت مردم و تاثیرات حزب بر این حرکت بود.

امروز يك شعار و اخطار مردم این بوده که به رادیو تلویزیون به صدا و سیما در تهران حمله میکنیم. در تبریز فی الحال این کار را کرده اند. در مناطقی به کلاترپها حمله کرده اند. میخواهم بگویم مردم نه تنها خسته نمیشوند بلکه رادیکالترتعرضی تر خواهند رفت و پایگاه های رژیم را عملاً در هم خواهند کوبید. این حرکت ادامه پیدا میکند. داستان حجاب عملاً تمام خواهد شد. زنان عملاً حجاب را کنار خواهند گذاشت و نمونه هایش را دیده ایم. بیشترین چیزی که محتمل است این است که زمین اینقدر زیر پای اینها داغ شود که اینها علیرغم شمشیری که کشیده اند و میدانند که در نهایت هم باید سر همدیگر را ببرند، فعلاً موقتا هم شده اختلافاتشان را کنار بگذارند و جناحی را که میتواند مردم را آرام کند جلو بیندازند و موسوی با دبدبه و کبکبه برود تلویزیون و فرمولی پیدا کند که مثلاً "هم تقاب شد، هم فقیه منزه باقی ماند، فقیه هم زیاد در جریان نبودند محصولی را که راس تقاب بوده بگیرد، احمدی نژاد هم میدانسته این دو نفر را بگیرد ولی فقیه عالیقدر همچنان رهبر ماست". دفتر موسوی فی الحال گفته که جمهوریت و اسلامیت را باید پاس داشت و فردا میتواند بگوید الان دیگر جمهوریت و اسلامیت سر جایش آمد هر کس در خیابان است مفسد فی الارض است. هر کس در خیابان است برانداز است. این هم فکر نمیکنم چند هفته بیشتر دوام بیاورد ولی در هر حال ممکن است بالائی ها این را يك راه نجات بدانند. فعلاً این احتمالات بسیار دورست است. اینها هنوز فکر میکنند جورهای دیگری میشود خود را نجات بدهند. مثلاً میتوانند مردم را خسته کنند و بخانه بفرستند. ولی من فکر نمیکنم اینها برای حکومت راه فراری باشد. جوانی که يك هفته قبل از انتخابات به خیابان آمد و صرفاً با خنده و شادی و موزیک بلند آن تعرض را کرد، الان از خیلی از محلات گزارش میشود که شبانه با شعار مرگ بر دیکتاتور همین کار را میکنند. این را میخواهند چکار کنند؟ این را که

خودشان از رژیم خودشان رد شده اند میخواهند چکار کنند. این آبی است که به جوی رفته باز نمیگردد حتی به توافقی هم برسند این جمهوری اسلامی در چشم مردم دیگر آن حکومت نیست. مردم میدانستند اینها دزد و قاتلند ولی این خیلی فرق میکند که مقامات يك حکومت با عدد و رقم و پرونده مشخص دست هم را رو کنند که هر که چقدر خورده و برده، کروی خیلی اصلاح طلب زندان خصوصی داشته، موسوی رهبر به اصطلاح رفم عامل قتل های سال شصت و هفت است. قبل از انتخابات دانشجویان دانشگاه او را موسوی شصت و هفت خواندند؛ به نظر من این لقب برایش میماند. اینطور نیست که مردم فراموش کرده اند. به همین خاطر من فکر میکنم زمان به نفع مردم است. در عین اینکه ممکن است جناحها بتوانند در ته تونل سازشهای بکنند ولی اولاً این خیلی دور از دسترس است و ثانیاً به آن سازش هم برسند مردم از رویشان عبور خواهند کرد و این جنبش نه تنها تمام نمیشود بلکه قویتر هم میشود.

اصغر گویبی: اجازه بدهید در مورد امکان سازش کمی مکث کنیم. يك سناریو این است که بالاخره اینها يك جایی يك مقطعی به سازش برسند، و بالاخره موسوی سر کار بیاید. این محتمل است. با این اعتراضات با چند میلیون آدمی که به خیابان آمدند، راهپیمائی کردند، شب و روز با نیروهای انتظامی درگیر شدند، به کلاترپیها حمله کردند، به صدا و سیما حمله کردند (امروز حتی يك شعار این بود که صدا و سیما هم باید منحل شود)، رژیم نمیتواند به این مردم امتیاز ندهد و در عین حال آرامشان کند. دو حالت دارد یا شروع میکند به امتیاز دادن و آنوقت عقب نشینی جمهوری اسلامی باعث جلو آمدن مردم میشود و یا امتیازی نمیدهد و در این صورت هم همین اعتراضات توده ای ادامه پیدا میکند.

حمید تقوایی: معیارهایی که ما اعلام کردیم اتفاقاً در همین روزها به درد میخورد. یکی از کارهایی که میتوانند بکنند این است که عاملین و آمرین را معرفی کنند. طبعاً يك عده از دار و دسته احمدی نژاد را میگیرند (حتی از رده های وسطی

بسیجی ها هم بالاتر نمیروند) تحت این عنوان که علیرغم دستور بالا شلیک کردند. این از تکلیف عاملین و آمرین. احمدی نژاد هم رفته و قرار است محاکمه شود و مثلاً در خانه تحت نظر است؛ حتی زندانش هم نمیکند. فقیه عالیقدر هم که قرار شده رهبر روحانی باشد. میخواهم بگویم ممکن است مجبور بشوند در این سطوح کوتاه بیایند. امکان این مانورها را دارند ولی جنبش هم جلو میرود. حزب ما هم بیکار ننشسته است. وقتی میگویم زمان به نفع ماست فعالیتها و تاثیرگذاریهای حزب را فرض میگیرم. ما باید کاری بکنیم که توقعات و انتظارات بالا برود به جایی برسد که مردم به این نوع سازشها و "امتیازات" بخنند. مثل اینکه امروز کسی به شما بگوید بازشماری آرا را شروع میکنیم و بروید به خانه هایتان! مردم به او خواهند خندید. در حالیکه يك هفته پیش حتی اگر روز شنبه میگفتند بازشماری آرا شاید مردم به خیابان نمی آمدند. امروز مردم میگویند بازشماری لازم نیست، ما را در خیابانها بشمارید و گورتان را گم کنید! دیگر تمام شد. مردم دارند رای شان را با پایشان میدهند. مردم از این شعار عبور کرده اند. بنابراین اولاً هزینه فرستادن مردم به خانه بالا میرود و ثانیاً سازش بالاترین نوع باشد راه حل قابل قبولی برای مردم نخواهد بود. برای همین میگویم زمان به نفع ماست.

اصغر گویبی: الان حکومت ضعیفتر است. خودشان را رسماً محاکمه کرده اند به قول شما از لاشه خودشان عبور کرده اند. بزرگترین شکاف در طول این سی سال در درون حکومت اتفاق افتاده و فراتر از این ترس و لرز مردم ریخته است. مردم دیده اند جمهوری اسلامی آسیب پذیر است دیده اند میشود سرنگون کرد. این چشم انداز را میبینند. چند میلیون مردم به خیابان میایند و ضعف و استیصال جمهوری اسلامی را هر روز حس میکنند. از يك طرف هم نفوذ حزب کمونیست کارگری دارد در بین مردم وسیعتر و وسیعتر میشود. فراخوان به مردم چیست؟ چکار بکنیم که این جنبش به نتیجه برسد؟

حمید تقوایی: ما میگوئیم انقلابی شروع شده. اینطور نیست که همه با ما موافق باشند. خیلی از نیروهایی که نیششان انقلاب است و براندازی میخواهند این حرکت را بعنوان

انقلاب برسمیت نمیشناسند. برخی معتقدند این دعوا بین جناحها است و مردم آلت دست جناحها شده اند. من اصلاً اینطور فکر نمیکنم. اگر کسی آلت دست کسی شده این جناحها هستند که آلت دست مردم شده اند. این شکافها اصلاً در اثر فشار مردم باز شد. ولی از طرف دیگر به نظر من این مکانیسم طبیعی هر انقلابی است. انقلاب فازهایی را طی میکند. وقتی که حرکت اعتراضی شروع میشود از نزدیکترین آدمهای رژیم سعی میکنند بپزند جلو کنترلش کنند. کسانی که انقلاب ۵۷ را به یاد دارند يك دوره ای بنی احمد، وکیل مجلس شاه، مطرح بود و اسمش سرزبانها افتاد. یا کسان دیگری مثل پزشکپور جلو آمدند. انقلاب از اینها رد میشود، بسرعت رد میشود. این طوری نیست که در يك حرکت انقلابی سرنگونی طلبانه از همان روز اول مردم میایند و میگویند سرنگون باد، هیچکدامتان را هم قبول نداریم و رادیکال ترین حزب را هم میآورند وسط میگذارند. هیچ انقلابی در تاریخ اینطوری شروع نشده است. هر انقلابی از زمانی که شروع میشود اساسش، مضمونش، نیروی محرکه اش این است که میخواهد دولت را براندازد ولی این به این معنی نیست که از قدم اول مردم این تمایل را صریحاً بیان میکنند و یا حتی به هدف و مضمون واقعی حرکتشان کاملاً آگاهند. مردم میخواهند دولت را بیاندازند و به هر امکانی چنگ میزنند. از هر دعوی میان بالائینها استفاده میکنند. حتی اگر عده ای توهم دارند به سرعت متوجه میشوند دعوی اصلی کجاست و بر سر چیست. جامعه در يك مقیاس اجتماعی و میلیونی میآموزد و پیش میرود. این هم يك خصیصه شرایط انقلابی است. در دوره انقلابی جامعه هر چه بیشتر و بیشتر به چپ متمایل میشود. (همانطور که در دوره اختناق همه به راست تکیه میدهند). در دوره انقلاب تحولات واقعی جامعه و منطق حوادث مردم را رادیکالیزه میکند و به چپ سوق میدهد. در انقلاب پنجاه هفت دقیقاً این را دیدیم امروز هم همین اتفاق خیلی روشنتر دارد در پیش چشمان ما شکل میگیرد. امروز در منتهی الیه چپ و بعنوان نماینده اعمال واقعی مردم حزب ما قرار دارد. حزبی که از

روز اول، از مدتها قبل از این تحولات، و در جریان این تحولات دارد میگوید مردم امرتان چیست، دردتان چیست، اطلاع رسانی میکند، و اخبار مبارزات مردم را بگوش همه میرساند، کل تصویر را در برابر مردم قرار میدهد، در مورد انحرافات و توهمات و دشمنان دوست نمای مردم هشدار میدهد، و هر روز رهنمود میدهد و جنبش را جلو میبرد. من فکر میکنم جامعه به این طرف خواهد آمد. این شخصیتهای امروز، اینها ناشی از موازنه قوای امروزاند و نه خواست و آمال امروز مردم. اینها میشود گفت در قدمهای اولی که انقلاب برمیدارد چوب زیر بغل انقلاب هستند. ممکن است مردم آگاه به این نباشند، ولی در تجربه به سرعت خواهند فهمید که این چوب را باید کنار انداخت. همانطوری که همین چند روزه نشان داده موضوعات، مسائل، اهداف و شعارها به سرعت تغییر میکنند و مردم بیشتر و بیشتر به شعارها و اشکال مستقل مبارزاتی خودشان روی میآورند.

حالا میپردازم به سوال اینکه ما چکار میکنیم. ما این مکانیزم انقلاب را میشناسیم و هدف فعالیت ما اینست که انقلاب به سرعت از این ایستگاههای میانی رد شود و در هیچ فازی به خانه نفرستندش. ما نباید اجازه بدهیم سر مردم را به طاق بکوبند. اگر آن حزب رادیکالی که واقعا خواسته ها و آرمانهای انسانی مردم را نمایندگی میکند در این پروسه درست عمل نکند، درست جلو نیافتد و به تدریج در سطح جامعه به عنوان رهبر و در صف مقدم انقلابشان شناخته نشود در هر مرحله ممکن است مردم به خانه بروند. یا به این نتیجه برسند که فایده ای ندارد، یا سرکوب شوند، یا به حداقلی از پیشروی قانع شوند و رضایت بدهند. به همین خاطر اساس سیاست حزب ما از همین امروز رادیکالیزه کردن حرکت مردم و عمق و وسعت بخشیدن به شعارها و اهداف و محتوا و مضمون این حرکت است. مردم باید دوستانشان را به عنوان دوست خودشان بشناسند نه دشمن دشمنشان. اینکه "با فقیه بد هستم، این هم با فقیه بد است، پس رهبرم است" این اولین منطق هر انقلابی است. ولی به سرعت رنگ میبازد. مردم میفهمند دشمن دشمن آنان

از صفحه ۶ مصاحبه با حمید تقوایی

لزوما دوست آنان نیست. بخصوص تجربه انقلاب پنجاه و هفت در این زمینه به مردم کمک میکند. همین اشتباه در زمان شاه شد: "خمینی علیه شاه است، پس خمینی خوب است!" بعد همه فهمیدند خودش از شاه بدتر است! در این انقلاب مردم باید دوستان واقعی شان را بشناسند و دوست واقعی مردم این حزب است که از روز اول دارد درد مردم را فریاد میزند و آرمان انسانی آنها را نمایندگی میکند. کاری که ما میکنیم همانطور که الان در خواسته‌های فوری توضیح دادم شعارهای فی الحال موجود مردم را داریم مضمون واقعی اش را برایشان توضیح میدهم. مرگ بر دیکتاتور یعنی چه؟ این معیار و شاخص هر نیروی است که میگوید دیکتاتور نیستیم. بنابراین اگر کسی در مقطعی جلو افتاد، اگر جامعه بداند که مرگ بر دیکتاتور یعنی چه، نمیتواند سرشان را کلاه بگذارد. همانطوری که گفتیم دیکتاتور بعدی نمیتواند بیاید به عنوان ناجی ظاهر شود و دو هفته بعد بزند؛ اینها معمولا اینجور هستند. حزب ما واقعیت را میشناسد، توازن قوا را میشناسد، مکانیسم حرکت های توده ای را میشناسد. میداند نه تنها جامعه مجاز است بلکه تنها راهش این است که از دعوای بالا استفاده کند برای اینکه پای خود را وسط بگذارد و بعد به جلو برود و از کل حکومت گذر کند. جامعه ایران دارد این کار را میکند و این فاز اول انقلاب است. ولی در همین فاز در عین حال باید گفت مواظب باش، به خانه میفرستند و بعد میزنند. این خیلی مهم است. معمولا ممکن است جامعه به اینجا برسد که حزب یک دستاوردهائی گرفت و قناعت کند. ممکن است موسوی حتی بیاید بگوید حجاب اجباری نیست ولی حزب اخلاقا خواهران محترم حجاب را رعایت کنند! ولی مردم باید بدانند که وقتی به خانه رفتند و آنها از آسیاب افتاد، رژیم برمیگردد و میزند. من قبلا این را گفتم هر تکه ای که از این اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی بماند همه اختناق و سرکوب را با خودش برمیگرداند. مثل ماری که تکه تکه اش میکنید اما اگر سرش را نکوبید فوری خودش را ترمیم میکند و برمیگردد شما را

میزند. فکر نکنید نصف مار را زدم خوب دیگر زهرش رفت؛ اینطور نیست وقتی به او مهلت بدهید برمیگردد میزند. تا آنجا که به موسوی برمیگردد ایشان این کار را فی الحال کرده است. ایشان نخست وزیر دوره هزاران اعدام است. باکی از این کارها ندارد. به قول خودش به اسلامیت و جمهوریت یعنی به جمهوری اسلامی متعهد است. کاری که ما میکنیم این حقایق را جلوی مردم میگذاریم میگوئیم این انقلاب شروع شده است، مسئله انقلاب چیست، مضمون واقعی حرکت مردم را روشن جلوی چشم خودشان بگذاریم، میگوئیم این حرکت باید ادامه پیدا کند تا رسیدن به هدف اصلی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و به چه اشکالی میتواند ادامه پیدا کند. در دل این روند هست که مردم بیشتر و بیشتر حزب را میشناسند و به آن نزدیکتر و نزدیکتر میشوند. به سیاستهایش میپیوندند و حزب به عنوان رهبر انقلاب عروج میکند. و اینجا دیگر هیچ ارتجاعی قابلیت این را نخواهد داشت که این انقلاب را به خانه بفرستد.

اصغر گریبی: تا آنجا که شما گفتید کار حزب در واقع یکجور افاق دادن و خنثی کردن مسائل و موانعی است که پیش میاید و توطئه هائی که علیه انقلاب میکنند، سازشانی که میکنند. از نظر شکل و محتوا و شعارها چه کار باید کرد؟ مثلا شما شعارها را توضیح دادید و به درجه ای که مردم این خواستهها و مطالبات را مطرح کنند سازش هم سخت تر خواهد شد. ولی از نظر اشکال مبارزاتی چه رهنمودی دارید؟

حمید تقوایی: خیلی خوب شد که این نکته را مطرح کردید. به نظر من این حرکت انقلابی مردم را هم باید عمیقتر کرد هم وسیعتر. منظورم وسعت کمی نیست. ما دست از کار کشیدن را مطرح کردیم، اعتصابهای اعتراضی و خطاری. ببینید تظاهرات خیابانی و میلیونی به خیابان ریختن معمولا فازهای آخر انقلاب است اما در مورد انقلاب جاری آنقدر این خشم و انزجار فروخورده مردم شدید است و آنقدر این شکاف در بالا زیاد است که خیزش مردم با فوران میلیونی شروع

شده است. ولی این به این معنا نیست که همانطور که گفتم این حرکت خطی و کمی به جلو میرود. سیر انقلاب فازهای مختلفی دارد. افت و خیز دارد. مردم برای اینکه میخشان را بکوبند و قوی شوند باید به اشکال اعتراضی دیگری به غیر از به خیابان ریختن روی بیاورند. از جمله دست از کار کشیدن، اعتصاب کردنها، تحصن ها، تشکیل و اعلام موجودیت نهادها و تشکلهای مختلف و صدور بیانیه و ها و قطعنامه های اعتراضی و رادیکال در مورد تحولات جاری، تشکیل تجمعاتی با اعلام خواستههای روشن و غیره و غیره. قبل از این انتخابات کارگرا که اول ماه مه جمع میشدند، ۸ مارس که طرفداران آزادی زن جمع میشدند، یا در موقعیتهای مختلف، این تجمعات بیانیه و قطعنامه میدادند که خیلی روشن بود و خیلی خواستههای انسانی و قابل دفاعی در آنها بود. الان در دل این شرایط هم باید صدها اطلاعیه و قطعنامه مشابه از جانب تشکلهای مختلف صادر و اعلام بشود البته با شعارها و بندهای سیاسی مناسب شرایط امروز مثل محکوم کردن جنایات حکومت و آزادی زندانیان سیاسی و خواستههای دیگری که ما بعنوان فرمان انقلاب اعلام کرده ایم. میخوام بگویم انقلاب باید خودش را شفاف کند، با زبان روشنی صحبت کند. خواسته هائی را روی میز بگذارد. از نظر شکل، انقلاب باید اشکال متنوعی را به خودش بگیرد. تحصن، تحریم، اعتصابات کوتاه مدت، اعتصابات خطاری یا اعتراضی. مثلا در اعتراض به کشتارهای اخیر برای بیست و چهار ساعت دست از کار میکشیم و یا تا عاملین و آمرین این کشتار معرفی نشوند این کارخانه دست از کار میکشد، یا این اداره کار نمیکند. تا همین جا پرستارها در سطحی مشخصا اعتراض کرده اند، روسای دانشگاهها این کار را کرده اند. سنجیکای کارگران واحد و اتحادیه آزاد کارگران هم بیانیه هائی در محکومیت کشتارهای اخیر داده اند. بخصوص جوانان هم بشیوه خودشان دارند اعتراض میکنند؛ این رژیم را با یک زندگی شاد، با نشاط و امروزی و مدرن جوانان میشود سرنگون کرد. جوانان این را میدانند و شروع کرده اند. اگر طرف مقابل هم

میگوید سوگواریم، سیاهپوشی، مسجد و تکیه، و بحثهای ازین قبیل دردش این است که جلوی این حرکت جوانان را بگیرد. نه اینکه خیلی دارد غصه میخورد که سی نفر کشته شدند! این تاکتیک را دارند میزنند که جنبش مردم را در چارچوب نظام نگهدارند. تظاهرات شبانه، تجمع جوانان، دست از کار کشیدن، اعتصاب اعتراضی، اعتصابات خطاری، اعتصابات با خواسته های مشخص، بجلو آمدن کانون ها و نهادهائی که هست، و تشکیل کانونها و سازمانهای تازه، فعال شدن تشکلهای کارگری مثل اتحادیه آزاد کارگران و اتحادیه شرکت واحد، مجموعه این فعالیتهای انقلاب را بسیار قویتر و شفاف تر میکند. البته اینها آلترناتیو به خیابان آمدن میلیونی نیست. چیزی که همه دنیا را بهت زده کرده و خود رژیم را میلرزاند قبل از هر چیز این تظاهراتها و راهپیمائی های میلیونی است. ولی حضور توده ای در خیابان مثل تنه درختی است که شاخه های مختلفی از آن بیرون میاید و این شاخه ها هستند که در نهایت باعث رشد و تقویت و باز رشد بیشتر همین تنه درخت هم میشوند. فقط این نیست که مردم در خیابانها جمع میشوند، شبها و یا روزهای معینی تظاهرات میکنند، و در همان حال سر کار و زندگیشان میروند و زندگی به شکل نرمال ادامه دارد. باید جمهوری اسلامی را از هر طرف فلج کرد.

اصغر گریبی: تجربه ای که از سال ۵۷ داریم به این شکل است که اعتصابات کارگری ابتدا تک و توك و پراکنده بود ولی بعد از گسترش تظاهراتها و اعلام حکومت نظامی بود که کارگران و در راس آنها کارگران نفت و کارکنان ادارات مختلف دست به اعتصابات گسترده زدند و این کمک بزرگی به جنبش عمومی مردم بود و کمر رژیم را شکست و حکومت نظامی را هم عملا بی خاصیت کرد.

حمید تقوایی: ولی وظیفه ما این است که از همین امروز این افاق، این امکان و این راهکار را جلوی جامعه بخصوص کارگران بگذاریم. هنوز هم اعتصاب کارگران نفت تعیین کننده است. من گزارشی خوانده ام که کارگران در یکی از صنایع نفتی یک

ساعت هستند يك ساعت نیستند؛ جمله این بود "شیر نفت را يك ساعت میبینیم يك ساعت باز میکنیم". ما میدانیم که چه کنترل وحشتناکی روی کارگران نفت هست اما در این شرایط آن کنترل هم دود میشود. بنابراین کاملا قابل انتظار است که کارگران نفت بخصوص دست از کار بکشند؛ کارگران بخشهای دیگر دست از کار بکشند. باز گزارشی دیدم به عنوان دست از کار کشیدنهای خطاری یا چند ساعته. انقلاب با انواع مختلف، عرصه های مختلف و اشکال مختلف مبارزه به پیش میرود. يك نکته دیگر این است که مردم در دل این جریان باید متشکل شوند. کارگران، جوانان و بخشهای مختلف. اگر قبل از انتخابات نهادها و کانونها و اتحادیه هائی فعال بودند حالا باید ده ها و صدها درست شوند. در سطح علنی میشود متشکل شد و اعلام هویت کرد. مثل جوانان فلان محله، مثل انواع تشکلهای معلمان، کارگران، پرستاران، دانشجویان! اینها باید بسیار وسیع باشد. نباید جوانان یا کارگران که به خیابان میایند بعنوان يك توده بی شکل باشند. باید متشکل و با خواسته های معین و شعارهای معین به خیابان آمد، در محل های معینی که بین خودشان تعیین کرده اند. اینها همه اشکال مختلفی است که این انقلاب میتواند و باید به خودش بگیرد. حزب ما بخصوص تمام سعی و تلاش خودش را به کار میبرد که این جنبش متشکل تر و آگاه تر و قویتر بشود.

اصغر گریبی: شما به گسترش اعتراضات و تظاهرات اشاره کردید که تبدیل شود به اعتصاب و استعفا ها. مثلا تجمعاتی که پرستاران داشتند، تحصن که خانواده ها داشتند، قطعنامه ای که استادان داشتند.

حمید تقوایی: مثلا تجمع جلوی زندانها که فقط به پشوتان میلیونی است که میشود این کار را کرد. وقتی میلیون در خیابان است چند ده هزار میتوانند جلوی زندان بروند و دیگر رژیم نمیتواند کاری بکند. انتظار نداشته باشیم هیچ جناحی از رژیم اینها را به مردم بگوید. مردم باید این جنبش را روی پای خودش نگه دارند. و در این فضا مثلا وقتی در مقابل زندان تجمع کردند میتوان

از صفحه ۷ مصاحبه با حمید تقوایی

هجوم برد و در زندانها را شکست. آزادی زندانیان سیاسی خواست عمومی است که میتوان به آن چهره مشخصی داد. کارگران میتوانند بگویند دستگیر شدگان اول ماه مه باید آزاد شوند. دانشجویان لیست دوستانشان را دارند که در حرکت‌های مختلف دستگیر شده‌اند، باید این لیست‌ها را اعلام کنند و خواستار آزادیشان بشوند. خود این مقامات در تلویزیون گفتند دانشجویان را ستاره دار میکردند و اخراج میکردند و بازداشت میکردند. گفتند زندانهای خصوصی دارند. خانواده‌ها و بستگان زندانیان میتوانند جلو بیفتند و بگویند عزیزان ما باید فوراً آزاد شوند. به همه این اشکال میشود و باید بمیدان آمد.

اصغر گویمی: بگذارید نکته ام را اینطور مطرح کنم. اینطور نیست که هر روز به خیابان می‌آئیم تظاهرات میکنیم و رژیم را میاندازیم. این میتواند نهایتاً به فرسوده شدن یا سرکوب منجر شود. باید همزمان با تظاهرات و حضور در خیابانها، اشکال دیگر اعتراض هم به کار گرفته شود. در این زمینه نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: وقتی گفتیم انقلاب فازها و مراحل مختلفی دارد منظور همین بود. این جنبش انقلابی ادامه پیدا میکند ولی نه به شکل تداوم خطی و کمی همین تظاهرات میلیونی. نه به این شکل که مثلاً پنج میلیون میشود ده میلیون، ده میلیون میشود بیست میلیون، و بالاخره حکومت می‌رود. این تصویر ساده انگارانه‌ای از پروسه هر انقلابی است. پروسه انقلاب خیلی پیچیده تر از این است و این به این معنا نیست که شناخته شده نیست. کاملاً روشن است من سعی کردم مکانیسمش را توضیح بدهم. مسئله این است که مردم باید متشکل شوند، خواسته‌ها شفاف و روشنی را روی میز بگذارند و اشکال مختلف مبارزه را پیدا کنند که وقتی حضور خیابانی را سخت و محدود کردند در جای دیگری ادامه پیدا کند. به کارخانه‌ها کشیده شود، به ادارات کشیده شود، به تاکتیک فلج کردن حکومت کشیده شود. مردم باید منتظر باشند، برای این دوره‌ها خودشان را آماده کنند و از پیش

منظورشان کانال جدید به عنوان اصلی‌ترین است. من نمیدانم مثلاً صدای امریکا که طرفدار این یا آن جناح حکومت است، یا رسانه‌های دیگر که گرچه در اپوزیسیون هستند ولی حرکت انقلابی مردم را برسمیت نمیشناسند، تا چه حد باعث نگرانی رژیم هستند. این کانال جدید است که اینها را نگران کرده. تمام سعی خود حکومتی‌ها و رسانه‌ها و دولت‌ها این است که بگویند یک دعوی انتخاباتی است، مردم با نظام هستند، خود موسوی می‌خواهد این تصویر را بدهد که مردم با جمهوری اسلامی هستند، که یکی تقلب کرده است و حق من را خورده است و همین! اینست که اسم کانال جدید را گذاشته‌اند "رسانه‌های بیگانه" و از اینکه مردم تحت تاثیر "رسانه‌های بیگانه" قرار گرفته‌اند شکوه میکنند و حتی در دعواهای جناحی به رخ همیدگر میکنند! یک رسانه‌ای هست و آنقدر هم قوی هست که اینها را مجبور به این کار میکند. حزب ما و کانال جدید در بطن تحولات است و شنونده‌ها و بیننده‌های وسیعی دارد و سیاستهایش، شعارهایش بین مردم میرود و بیشتر هم خواهد رفت. این برای من روشن و مسلم است. فراخوان ما به مردم این است که پای صحبت‌های حزب بنشینند، سیاستهایش را دنبال کنند، رهنمودهایش را بکار ببرند، این نوع بحث‌ها، رهنمودهای مشخص، چشم‌انداز کلی، تحلیلهای عمیق‌تر حزب را بشنوند. مردم باید هشیار و آگاه باشند. امروز مردم در جواب احمدی‌نژاد شعار دادند ما ارادل و اوپاش نیستیم. مردم باید نشان دهند و این را هم بگویند که ما ملعبه دست کسی هم نیستیم. ما را نمیتوانید به خانه بفرستید. ما اهداف خودمان را میشناسیم، فریب نمیخوریم. اینها را این حزب و این تلویزیون تامین میکنند. در همین لحظه حاضر ما داریم سه کار اساسی میکنیم: اول اطلاع‌رسانی؛ تقریباً هیچ تلویزیون دیگری اخبار واقعی را انتقال نمیدهد. اگر شما اینها را دنبال کنید میبینید فقط یک قسمتی از واقعیت را سر و ته بریده و تا آنجا که به نفع یکی از جناح‌های رژیم است مطرح میکنند. مردم از کانال جدید متوجه میشوند واقعا هر روز چه میگردد؛ شعارهایی که داده شد، جمعیت چقدر بود، چه گفتند چه باید بکنند. خبرنگاران ما خود مردم

هستند. کار دوم ما اینست که رهنمودهای مشخص میدهیم و در رابطه با اتفاقاتی که دارد میافند مردم میگوئیم چه بکنید، چه کار نکنید. مثلاً یک رهنمود مشخص ما این است که بی حجاب در این اعتراضات شرکت کنید که جواب هم دارد میگیرد و همینطور خیلی رهنمودهای دیگر که قبلاً صحبت کردم و بالاخره جنبه سوم این است که چشم‌انداز، افق، و سیر محتمل تحولات را در برابر مردم قرار میدهیم. اینکه خصلت این جنبش چیست، مضمونش چیست و چطور میتواند پیروز شود. اینها سه عرصه اصلی تاثیر گذاری حزب از طریق کانال جدید بر جنبش جاری است. نتیجه کمی و مشخص این سیاست عبارتست از روآوری هر چه بیشتر بخشهای مختلف مردم جامعه، کارگران و زنان و جوانان به سیاستهای حزب و رهنمودهای حزب. و این امری است که به سرعت دارد اتفاق میافتد. همانطور که میگویند در شرایط انقلابی جامعه یک شبه ره صد ساله می‌رود. به نظر من رشد و نفوذ حزب هم در این شرایط صد ساله خواهد بود. من تردیدی ندارم در این شرایط حزب بسیار بیشتر از گذشته مطرح خواهد شد، بیشتر طرف رجوع مردم و چشم امید مردم خواهد شد. این ایفای نقش حزب در تاریخ معاصر ایران بیسابقه است. در صد سال اخیر انقلاب و خیزشهای انقلابی کم نداشتیم. آخرین انقلاب پنجاه و هفت بود. اما چیزی که همیشه کم بوده وجود و فعالیت چنین حزبی مثل حزب ما بوده است. ستادی که با اتکا به تکنولوژی جدید که در دوره‌های قبل نبود و الان ما از آن برخورداریم، یعنی با تلویزیون بیست و چهار ساعته، تلویزیونی که مردم آنرا کانال انقلاب مینامند، بتوانند اینطور نبض انقلاب باشند، بتپید، به مردم راه نشان بدهد، افق نشان دهد و حتی گامهای روزمره‌شان را هدایت کند.

اصغر گویمی: یک سوال بسیار کوتاه که با آن سر بحثی را باز میکنیم که در فرصتهای بعدی به آن بپردازیم. مردم موقعی تصمیم قطعی شان را میگیرند برای اینکه بزنند و سرنگون کنند و قیام کنند که فکر کنند یک نیروی هست که بعنوان دولت بجای دولت قبلی بگذارند. حزب کمونیست

کارگری معتقد است که این حزب است که میتواند دولت بعدی را تشکیل بدهد. صحبت شما چیست؟

حمید تقوایی: در نهایت سرنوشت این انقلاب را این تعیین میکند. سرنوشت هر انقلابی را در نهایت این تعیین میکند که آیا نیروی هست که از نظر جامعه انقلابی صلاحیت تشکیل دولت بعدی را داشته باشد یا خیر. هر انقلابی بر سر دولت است. انداختن دولت. هزار و یک خواست دیگر مطرح میشود ولی همه دارند به تغییر دولت اشاره میکنند. برای ۹۹ درصد مردم فی الحال شکی نیست که باید این دولت برود و بلند شده‌اند که این دولت برود. اما برای اینکه این حرکت بفرجام برسد و پیروز شود مردم باید بفهمند کی باید بجای این حکومت بیاید. اگر انقلاب این را نداند آنوقت خسته میشود. آنموقع خودش را حتی گول میزند. در میانه راه میایستد و میگوید پیروز شدم، همین بس است! و طوری میشود که اگر از ته تاریخ که به آن نگاه کنید دیگر به آن انقلاب نمیگویند. اسمش میشود خیزش شکست خورده، شورش شکست خورده. به این معنا پیش شرط پیروزی و حتی تداوم و پیشروی انقلاب این است که نیروی حاضر باشد در صحنه مبارزه که مردم به عنوان دولت آتی به عنوان حکومت آتی به آن نگاه کنند. در این مقطع این حزب کمونیست کارگری ایران است. نه به این معنا که ما میخواهیم حکومت تک حزبی یا غیره درست کنیم که مخالفین ما اینطور تبلیغ میکنند. اساس این است که این حکومتی است که قانون اساسی اش برنامه یک دنیای بهتر است. این حکومتی است که آزادی را تمام و کمال میدهد، تمدن و رفاه می‌آورد و برابری را تامین میکند. حقیقت این است که این حزب میتواند جامعه را رها کند و مردم باید به این حقیقت پی ببرند و آنرا به عنوان دولت آتی انتخاب کنند. همانطور که گفتید این بحث مفصلی است که باید در فرصت دیگری به آن بپردازیم.

اصغر گویمی: حمید تقوایی خیلی ممنون از شرکتتان در این برنامه.*

کارگران بر میخیزند



شهلا دانشفر

روزهای پر جنب و جوشی را پشت سر میگذاریم. جنگی تمام عیار بین مردم و نیروهای سرکوب رژیم اسلامی را شاهدیم. در هفته ای که گذشت مردم در صفوف میلیونی به خیابانها آمده و فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دادند. شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم سر دادند و گفتند کوتاه نمی آیم. گفتند جمهوری اسلامی باید برود و خواستهای خود را فریاد زدند و این مردم به خیابانها آمده را دیگر نمیتوان به خانه برگرداند. روزهای انقلاب فرارسیده است. مردم در کوچه و خیابان با نیروهای سرکوب این رژیم درگیرند و خواستهای خود را طلب میکنند. انقلابی که انسانیت را فریاد میزند و باید با تمام قوا به میدان آیم. انقلابی که خواستند رنگ سبز مخملی به آن بزنند اما رادیکالیسم آن و عزم راسخ مردم برای به زیر کشیدن این رژیم خط بطلانی بر همه این خیالیهایها کشید. انقلابی که توجه جهانیان را بخود جلب کرده است و دارند از رادیکالیسم و ابعاد انسانی اش سخن میگویند. ندا آقا سلطان دختر جوانی که بدست جانین اسلامی جان سپرد و معلوم شد که همه آرزویش رسیدن به آزادی بود به سبب این انقلاب و آزادیخواهیش در برابر حکومت اسلامی تبدیل شد و آوایش به جهان کشیده شد و برایش ترانه ها ساختند.

انقلابی که ادامه اول مه ها، هشت مارس ها، جشن آدم برفی ها در دفاع از حقوق کودکان و مبارزه هر روزه جوانان و زنان و مردان آزادیخواه علیه قوانین ارتجاعی اسلامی این رژیم جنایتکار است. انقلابی که پرچم آن نه به اعدام است و زنان در آن با حجاب بگیران خود آزادی و برابری را فریاد زدند. انقلابی که امروز چنین قدرتمند به جلو آمده است و راهی جامعه از شر جمهوری اسلامی را نوید میدهد.

در دل چنین تحولی تاریخی کارگران به جلو می آیند. این را در اول مه امسال و در قطعنامه ده تشکل و نهاد کارگری و مدافع حقوق انسانی دیدیم. قطعنامه ای که کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری و فقر و فلاکت حاکم بر جامعه اعلام داشت و در آن گفته شد که کوتاه نمی آیم و بر خواستهای خود که خواستهای کل جامعه است تاکید گذاشت و کوتاه هم نیامد. این را در بیانیه کارگران سندیکای شرکت واحد در قبال مضحکه انتخابات رژیم دیدیم که به روشنی اعلام داشتند ما کارگران در این انتخابات کاندیدایی نداریم و همانجا بر خواستهای برحق کارگران و زندگی ای انسانی تاکید گذاشتند و با این کار به کل جامعه راه نشان دادند. این را همین امروز در پیام اتحادیه آزاد کارگران خطاب به کارگران ایران در رابطه با تحولات

خواسته های قریب به اتفاق جامعه ایران بسیار فراتر از خواسته های صنفی است، اعلام میدارد که سندیکای کارگران شرکت واحد خود را در کنار تمامی انسانهایی میداند که برای عدالت و آزادی مبارزه میکنند و هرگونه سرکوب و تهدیدی را محکوم میکند و پیشنهاد میدهد که روز ۵ تیر که از سوی چهار کنفدراسیون بزرگ جهانی با ۱۷۰ میلیون عضو، بعنوان روز همبستگی کارگران جهان با کارگران و مردم ایران اعلام شده است را به روز حقوق بشر انسانی در ایران تبدیل کنیم. در ادامه همین تلاش است که کارگران این سندیکا و دهها مرکز و تشکل کارگری دیگر نظیر اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه و کارگرانی از چندین کارخانه در شهر سهند و لاستیک البرز و صنایع فلزی تهران و غیره به اقدام جهانی اتحادیه های کارگری برای ۵ تیر پیام همبستگی میدهند. اینها همه نشانه جلو آمدن طبقه کارگر با قطعنامه ها و بیانیه هایشان است. اینها همه متعین شدن انقلابی است که دارد شکل میگیرد و در برابر کل جامعه راه نشان میدهد.

امروز وقت آنست که همچون کارگران اتحادیه آزاد کارگران ایران، همچون سندیکای کارگران شرکت واحد و همچون دهها تشکل و مرکز کارگری ای که به فراخوان همبستگی

اتحادیه های بین المللی در دفاع از حقوق کارگران و مردم ایران روز ۵ تیر را روز اعتراض جهانی اعلام کردند، با بیانیه ها و قطعنامه هایمان به جلو گام برداریم و به این جنبش عظیم انقلابی که به حرکت افتاده است بپیوندیم. امروز وقت آنست که نه تنها تمامی مراکز کارگری بلکه همه بخش های جامعه با قطعنامه و بیانیه هایشان به مبارزه خود تعین بیشتری بخشند و با گرد آمدن حول این خواستها و با اعتصابات اعتراضی و تجمعات خود به جلو بیایند و این جنبش عظیم انقلابی را که براه افتاده قدرت بخشند. امروز وقت آنست که با اعلام تشکل ها و نهادهای خود در دفاع از حقوق انسان و در عرصه های مختلف به جلو گام برداریم و بگوییم که آمرین و عاملین کشتار اخیر باید معرفی و محاکمه شوند. بگوییم که تمامی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اخیر باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. بگوییم که آزادی بیان و عقیده و حق تشکل و اعتصاب و برپایی تجمع از حقوق مسلم و پایه ای ماست، بگوییم که ما خواهان جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش هستیم و اعلام کنیم که ما دیگر نمیخواهیم زیر خط فقر زندگی کنیم و امروز در گام اول بر دستمزد و حقوق دریافتی حداقل یک میلیون تومان تاکید داریم. و با اعتصابات و مبارزات خود قدرتمند به جلو بیاییم. امروز وقتش است و فردا دیر است. با تمام قوا به میدان آیم.*

فعالیت های کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست کارگری در هفته گذشته



خارج میکنند ثروت مردم ایران است و حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد حسابهای بانکی سران حکومت اسلامی مسدود شود. همچنین در این نامه اعلام شده است که حزب هرگونه همکاری با سران حکومت اسلامی در انتقال پول از ایران را تحت پیگرد قانونی قرار خواهد داد.

کمیته روابط بین المللی

حزب کمونیست کارگری

۲۵ ژوئن ۲۰۰۹، ۴ تیر ۱۳۸۸

آنها و خنثی کردن تحریف این مبارزات است.

یک جنبه دیگر از این فعالیتها تشکیل چندین بلاگ خبر رسانی و مرکز مطبوعاتی است که اخبار و اطلاعات مبارزات مردم را در وسیع ترین سطح به اطلاع مردم جهان میرساند. یکی دیگر از فعالیتهای این کمیته، مطلع کردن مردم ایران از همبستگی وسیع مردم جهان از مبارزاتشان است. مطلع کردن مردم از این حقیقت است که آنها در این حرکت انسانیشان تنها نیستند و میلیونها مردم در جهان در کنارشان هستند.

همچنین حمید تقوایی نامه ای خطاب به سران دولتها در جهان نوشته و از آنان خواسته است که روابط خود با حکومت اسلامی را قطع کنند و جمهوری اسلامی را از تمامی مراجع بین المللی اخراج کنند. بعلاوه با انتشار خبر انتقال وسیع پول توسط سران جمهوری اسلامی به خارج از کشور، حمید تقوایی نامه ای خطاب به بانکها و مراکز مالی دنیا نوشته و از طرف مردم ایران اعلام کرده است که پولهایی که سران جمهوری اسلامی

با شروع اعتراضات اخیر مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، کمیته روابط بین المللی حزب، یک فعالیت فشرده و متمرکز برای انعکاس اخبار مبارزات مردم ایران و جلب حمایت افکار عمومی جهان از این مبارزات را در دستور کار خود قرار داده است. رنوس این فعالیتها شامل پخش دقیق و بموقع اخبار مبارزات، مصاحبه هر روزه با حمید تقوایی به زبان انگلیسی که شامل تحلیل روزانه از مبارزات مردم، انعکاس بین المللی این مبارزات و پیام به مردم جهان جهت حمایت از مبارزات

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح
وسیع توزیع
کنید**

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

جمهوری اسلامی در خارج هم در آستانه سرنگونی قرار گرفته است مصاحبه با خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج حزب



میکند که مردم ایران در مبارزه شان برای بزیر کشدن جمهوری اسلامی مصم تر شوند.

انترناسیونال: به اعتراضات در خارج کشور برگردیم. در خارج کشور جریان‌اتی اصرار دارند که تظاهرات سکوت برگزار کنند و اسم این را هم گذاشته‌اند "فرباد خاموش!!" پشت چنین خطی چه کسانی قرار دارند؟ حزب کمونیست کارگری در مورد نحوه برگزاری تظاهرات‌هایی که چه از جانب حزب فراخوان داده می‌شود و چه از جانب دیگران از الگویی خاصی پیروی می‌کند. داشتن میکرفون آزاد، آزادی سازمانهای اپوزیسیون برای حمل شعارها و پلاکاردها خود و غیره. بعضی‌ها معتقدند که مثلاً این مورد آخر درست نیست و بهتر است که احزاب شعارها و آر‌مهای خود را در خانه بگذارند. شما نظرتان چیست؟

خلیل کیوان: ما از مدافعین بی‌ام و اگر آزادی بیان هستیم. در اعتراضات جاری و اجتماعاتی که تشکیل میشود اعم از اینکه ما خودمان این اعتراضات را سازمان داده باشیم و یا از سوی کسان دیگری سازمان داده شده باشند، این اصل را رعایت میکنیم. بیشتر اعتراضاتی که برپا میشود فراسازمانی است. بالطبع در این اعتراضات باید همه بتوانند هر نشان و شعاری که دارند حمل کنند. هر کسی که مایل باشد حرفی را با مردم در میان بگذارد باید اجازه بیان آنرا داشته باشد. باید بتوانند با پرچم و پلاکاردهای خود حضور یابند. ما به شفافیت سیاسی نیاز داریم. باید مردم از تریبون‌هایی که برپا میشود امکان سخن گفتن داشته باشند. مردم عقل دارند و انتخاب میکنند که کدام شعار را میپسندند. چه چیزی را نمیخواهند. و بالاخره انتخاباتشان چه هست. کسی که به هر چیزی متشبث میشود که از حمل شعارها و پلاکاردهای دیگران ممانعت کند ریگی در کفش دارد.

میان افکار عمومی جهان نسبت به جمهوری اسلامی برانگیخته شد. در غرب دولتهایی سفیرهای جمهوری اسلامی را فراخوانند و به سرکوب تظاهرات مردم در ایران اعتراض کردند. الان وضعیت جمهوری اسلامی در خارج کشور چگونه است؟

خلیل کیوان: در ماه‌های اخیر مواردی را شاهد بودیم که نشان میداد چشم مردم جهان به واقعیات ایران بازتر میشود. اعدام دلارا دارابی یک نمونه آن بود که اعتراضات بین‌المللی را موجب شد. حضور فعالین حزب کمونیست کارگری در کنفرانس جهانی کار با دست زدن و تشویق هزاران شرکت کننده روبرو شد. حضور احمدی نژاد در کنفرانس علیه نژاد پرستی با اعتراضات وسیع روبرو گردید. اینها نشانه‌هایی از گسترش انزجار و نفرت از جمهوری اسلامی را نشان میداد. اکنون با اعتراضات میلیونی در ایران، احساس همدردی عمیقی در بین مردم جهان نسبت به مردم ایران بوجود آمده است. مردم دنیا سبعت رژیم را بصورت عریان میبینند. میبینند که چگونه معترضین و تظاهرکنندگان را با بی‌رحمی تمام ضرب و شتم میکنند.

دولت‌ها که تا کنون چشم بر جنایات رژیم اسلامی بسته بودند و حاضر نبودند به بی‌حقوقی مردم اعتراض کنند، امروز زیر فشار افکار عمومی قرار میگیرند. تنش بین چند دولت و رژیم اسلامی و احضار سفرای جمهوری اسلامی و اعتراض به رفتار آن، انعکاسی از فشار افکار عمومی به دولت‌ها است. جمهوری اسلامی در جهان بی‌آبرو و مورد نفرت است. زمینه برای انزوای کامل و طرد آن از مجامع بین‌المللی مهیاست. خواست قطع رابطه با رژیم و بستن سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای آن لازم است با قدرت بیش از پیش دنبال شود. سیاست اعلام شده کنفرانس دوم خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران مبنی بر طرد و انزوای رژیم جمهوری اسلامی از مجامع بین‌المللی زمینه مساعدی دارد. این امر سقوط رژیم را تسریع میکند. کمک

جمهوری اسلامی کانالیزه کنند. چه کسانی پشت این تلاش قرار داشته‌اند و برای خنثی کردن این تلاشها چه اقداماتی صورت گرفت؟

خلیل کیوان: چهار کاندید مضحکه انتخابات پول‌های هنگفت هزینه کردند که، هم در تنور انتخابات و مشروعیت رژیم بدمنند و هم فضای خارج کشور را بدست بگیرند. موسوی، مخملباف و مهاجرانی را برای پیشبرد امر خود مامور کرده بود. اینها سازماندهی کرده‌اند. آدم اجیر کرده‌اند. دستجاتی را در میان دانشجویان بورسیه‌ای و خودی بکار گرفته‌اند. از مدت‌ها قبل برای این کار طرح و نقشه داشته‌اند. متوجه نقش و اهمیت خارج کشور برای تاثیر بر روند‌های داخل شده‌اند. جناح موسوی-رفسنجانی-خاتمی که مجموعاً ۲۴ سال دولت را در اختیار داشته‌اند، امکانات گسترده‌ای در اختیار دارند. تردید نیست که برخی سفارتخانه‌ها، تماماً و یا بخشاً با اینها همراه بوده‌اند. به همه اینها خیل نوکران بی‌جره و مواجب‌شان، یعنی توده‌ای و اکثریتی‌ها و فعالین موسوم به ملی اسلامی را هم اضافه کنید، آنوقت متوجه میشویم که با چه کسانی روبرو هستیم. و چرا اینها تلاش دارند اعتراضات در خارج کشور را در چارچوب اعتراضات به نتیجه انتخابات و منازعات درون حکومتی تعریف کنند. از مردم میخواهند شعار ضد جمهوری اسلامی داده نشود، مردم را به سکوت دعوت میکنند و حتی زمینه حضور مزدوران رژیم با پرچم جمهوری اسلامی را مهیا میکنند. کاری که با خشم و عکس العمل مردم روبرو شد و پرچم جمهوری اسلامی توسط مخالفین و فعالین حزب کمونیست کارگری از اعتراضات برچیده شد.

انترناسیونال: سئوالات دیگری در این رابطه وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم ولی اینجا به مسئله مهم دیگری اشاره کنیم. همراه با بالا گرفتن جنبش انقلابی مردم ایران و بکارگیری خشنونت و وحشیانه از جانب حکومت برای مقابله با آن، موج وسیعی از انزجار و نفرت در

هستیم. همانطور که جنبش ضد جنگ یک اهرم اساسی در بشکست کشاندن میلیتاریزم آمریکا در ویتنام بود. همانگونه که حمایت بین‌المللی از مبارزه علیه آپارتاید یک اهرم تعیین کننده برای شکست رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. انقلاب مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری بمراتب بیشتر از نمونه‌های فوق مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

تردیدی نیست که بدلائل مختلف و از جمله بخاطر عملکرد تروریسم اسلامی در نا امن کردن زندگی در سراسر جهان، مردم دنیا به حمایت از انقلاب مردم ایران جلب خواهند شد. مردم جهان در بزیر کشیدن شدن جمهوری اسلامی ایران و شکستن ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی، ذینفع‌اند.

یک نکته قابل توجه این اعتراضات این هست که جریانات شناخته شده‌ای تلاش دارند اعتراضات مردم در خارج کشور را در چارچوب منازعات جناحی نگه دارند. علیه جمهوری اسلامی شعار نمیدهند و تلاش میکنند کسانی را که میخواهند علیه جمهوری اسلامی شعار دهند ساکت کنند در حالیکه مردم در ایران با شعارهای حکومت اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی و شعارهای تند ضد رژیم مبارزه‌شان را پیش میبرند. اینها از مردم میخواهند دهانشان را ببندند، بجای شعار دادن سکوت کنند. حتی جاهانی تلاش کرده‌اند مانع برافراشتن شعارهای مردم و جریانات سیاسی شوند. باید دست اینها را رو کرد. باید ماهیت اینها را برای مردمی که به آنها توهم دارند برملا کرد. در مقابل این جریان باید هوشیار بود و مردمی را که از سر امکانگرایی و یا از سر هر محاسبیه دیگری جذب اینها شده‌اند، آگاه کرد و از آنها جدایشان کرد.

انترناسیونال: به این اشاره کردید که جریانات شناخته شده‌ای تلاش داشتند که اعتراضات در خارج کشور را در مسیر درگیرهای جناحی

انترناسیونال: همراه با خیزش انقلابی مردم ایران، در خارج کشور نیز موج وسیعی از اعتراضات علیه جمهوری اسلامی براف افشاد که دهها هزار نفر در آن شرکت داشتند. ارزیابی شما از این اعتراضات تا به امروز چیست؟

خلیل کیوان: رخداد های جاری در ایران، جهان را تکان داده است. سرها بطرف ایران چرخیده است. نگاه‌ها به مبارزه زنان و مردان در تهران و شهرهای دیگر خیره شده است. رویدادهای ایران در صدرا اخبار جهان قرار گرفته است و تا همینجا تاثیرات عمیقی بجا گذاشته است. بسیاری از حقایقی که انقلابیون و مخالفین رژیم و بویژه حزب ما در باره آنها سخن میگفتند یکباره مورد توجه و حتی پذیرش قرار گرفته است. روشن شد که رژیم ایران اسلامی است اما، مردم اسلامی نیستند. معلوم شد که مردم ایران حکومت اسلامی نمیخواهند. عزم مردم ایران برای یک زندگی انسانی، باور به اینکه حقوق انسان جهانشمول است را تقویت کرده است. نسبییت فرهنگی تحت فشار بیشتری قرار گرفته است. دیگر کسی نمیگوید انقلاب برابر با خشونت است. روشن شد که این ضد انقلاب حاکم است که در مقابل اراده مردم به خشونت روی میآورد. کسانی که انقلاب را مذموم میدانستند زبان به کام کشیدند و ساکت شدند. اکنون دوره‌ای است که اگر شاهزاده‌ها هم "انقلابی" شوند نباید تعجب کرد. اوضاع چنان شده است که سی‌ان‌ان و اکونومیست هم از خیزش انقلابی صحبت میکنند. با رویدادهای ایران، خصوصیات انقلابات عصر ما و نقش ماهواره و تکنولوژی ارتباطات در آن بیش از پیش روش میشود.

یک جنبه مهم و مستقیم تاثیر خیزش انقلابی در ایران، بمیدان آمدن ایرانیان در خارج کشور و برپائی اعتراضات روزانه و گسترده در حمایت از مبارزه مردم ایران در سراسر جهان است. این اعتراضات مورد توجه وسیع مردم و رسانه‌ها قرار گرفته است و میرود که به یک اهرم مهم و اساسی و تاثیر گذار بر روندهای سیاسی در ایران بدل شود. ما در آغاز براف افشاد جنبشی بین‌المللی در حمایت از مردم ایران

از صفحه ۱۰ مصاحبه با خلیل کیوان



مصطفی صابر

های میلیونی روزهای قبل و نفرت و انزجار قریب به اتفاق ۷۰ میلیون مردم ایران از رژیم حاکم قرار دارد. فقط در خیابان نیست که ترور و وحشت رژیم به سخره گرفته میشود. انقلاب کل رژیم اسلامی را متوقف و فلج کرده است. بن بست همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اداری و دیپلماتیکی رژیم اسلامی را فرا گرفته است.

قدم بعدی انقلاب چیست؟ در این مورد از جوانب گوناگون میشود صحبت کرد. بخصوص باید گفت چه باید کرد و به کدام سمت رفت. در این زمینه مهمترین نکات را حمید تقوایی و سایر رفقایمان در کانال جدید دارند میگویند و بیاینه امروز حزب با عنوان "رژیم اسلامی در محاصره انقلاب مردم" بطور موجز بیان کرده است. ولی تا آنجا که به کارکرد عینی و ناگزیر انقلاب برمیگردد، فاز بعدی ریزش جمهوری اسلامی از درون است. وقایع روز سوم تیر بیشتر اثبات کرد که انقلاب همان چیزی را هدف قرار داده است که بطور عینی بر سر راه آنست. جمهوری اسلامی به خیال خود میخواهد مردم را مرعوب و منصرف کند و به خانه بفرستد. غافل از اینکه هر روزی که مانند امروز سپری شود، این جمهوری اسلامی است که در جهان بی آبروتر خواهد شد، تناقض های درونی اش آشفتی ناپذیر تر خواهد شد، فلج اداری و اقتصادی اش پرده امته تر خواهد شد. رژیم زیر این فشار دیر یا زود خرد خواهد شد.*

۲۴ جون ۲۰۰۹

یادداشت هایی بر یک انقلاب پایتخت ترور!

و نیروی بسیج را فرسوده میکنند. امروز بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. دهها نفر دستگیر شدند. میگویند چند نفر کشته شدند اما هنوز تعداد روشن نیست. یکی را خودمان دیدیم. یک دختر بچه ۱۵ ساله نیز از ناحیه گلو هدف گلوله قرار گرفت که از وضعیت خبر ندارم...

این است اوضاع تهران یا صحیح تر پایتخت حکومت ترور اسلامی. همه چیز قرار است شما را مرعوب کند و خانه نشین کند. گویی از یک تونل وحشت عبور میکنید: خیل لشکریان با لباس های سیاه و هیکل های ترسناک که رژه میروند. باز جویی سر هر گز و عتاب و خطاب به هر جنبه. باتوم و تهدید و حرف های رکیک و اسلحه چرخاندن. گاز اشک آور و تیرهوایی و هیلوی کویترها و دست آخر هم تیر زمینی و هدف قرار دادن گلولی دختران شهر. ظاهرا همه چیز تونل وحشت تکمیل است، اما شگفت انگیز این است که این مردم را نمی ترساند، برعکس مردم ترس حکومت را در آن می بینند!

مردم سر سازش و تمکین به اوضاع ندارند و اینهمه ارباب را به تمسخر میگیرند. مخصوصا جوانان، دختران و پسران جوان. میدانند که این بازی با مرگ است ولی چنان نفرتی از جمهوری اسلامی و چنان عطشی برای آزادی دارند که اهمیتی برایشان ندارد. چنانکه گزارش فوق بروشنی تصویر میکند جمع میشوند و با فریاد و سنگ و شعار مرگ بر دیکتاتور و عکس ندا در دست میجنگند. گاه عقب می نشینند و پخش میشوند و دوباره جمع میشوند و پیش میروند و نیروی های سرکوب رژیم را فرسوده میکنند. این ناشی از اعتماد به نفس و امید واقعی است که انقلاب به آنها داده است. پشت این جنگ و گریزهای امروز تظاهرات

گزارشی که امروز، چهارشنبه سوم تیر ۸۸، یکی از تظاهرکنندگان برای حزب فرستاده است اوضاع تهران را چنین تصویر میکند:

"میدان بهارستان از حدود ساعت ۱۲ ظهر بود که تمام مسیر ها به سمت میدان بهارستان بسته شد بود. نیروی بسیج و گارد ویژه مستقر بود. خط مترو در این ایستگاه توقف نداشت. اطراف مجلس در محاصره نیروی انتظامی و بسیج بود. به همه مغازه دستور تعطیلی داده بودند. و مغازه داران تهدید شده بودند که اگر مغازه خود را باز نگه دارند به آتش کشیده خواهند شد. جمعیت زیادی در محل بود. حدود ۴۰۰۰ هزار نفری میشد. عده ای عکس ندا آقا سلطان را در دست داشتند و بازوبندی سیاهی بسته بودند. نیروهای گاز به آنها حمله کردند. گاز اشک آور زدند و حمله به جمعیت شدت گرفت. درگیری شروع شد. شعار "مرگ بر دیکتاتور" بلند شد. مردم شعار میدادند "ترسید نترسید، ما همه با هم هستیم". مردمی که از خیابان های اطراف وارد میدان میشدند زیر حمله نیروهای بسیج و باتوم قرار میگرفتند. با باتوم حتی به ماشین ها حمله میکردند. تعدادی دستگیر شدند. تعدادی زخمی شدند. اما همچنان جمعیت اضافه میشد. تا اینکه شروع به تیراندازی هوایی کردند. مردم شعار میدادند "میکشم، میکشم آنکه برادرم کشت". ساعت یک عصر بود که صدای تیراندازی شدت یافت و زد و خورد بیشتر شد. مردم با پرتاب آجر سعی میکردند نیروی بسیج را دور کنند. مردمی که به خیابانهای اطراف فرار میکردند با موتورسواران تعقیب میشدند. یک جنگ و گریز تمام عیار مثل روزهای قبل بودند. مردم الان دیگر در محلات پخش میشوند و می جنگند

در داخل است. افت و خیز در داخل در اعتراضات خارج هم تاثیر میگذارد. آنچه در ایران شاهد آنیم يك انقلاب است که خطی و مستقیم به پیش نمیرود. رابطه رژیم با مردم و جناح های رژیم با یکدیگر و رابطه مردم ایران با مردم جهان وارد دوره تازه ای شده است. مبارزه اشکال متنوع و ایستگاه های مختلفی خواهد داشت. آنچه مسلم است ما در خارج جمهوری اسلامی را در تنگنای بیش از پیش قرار میدهیم. اوضاع هر فراز و نشیبی طی کند، جمهوری اسلامی به هر ترفندی برای بقا روی آورد، يك فاکتور در خارج سر جای خود باقی است. مردم جهان به دفاع از مردم ایران برخاسته اند. همه چیز زیر و رو شده است. جمهوری اسلامی در خارج هم در آستانه سرنگونی قرار گرفته است.

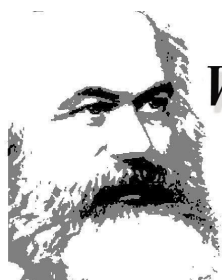
انترناسیونال: از اهمیت و نقش ماهواره و تکنولوژی در تحولات جاری گفتید. منظور شما چیست؟
خلیل کیوان: علیرغم تلاش رژیم برای سانسور کردن اخبار، اخراج خبرنگاران خارجی و تلاش برای قطع تماس مردم با یکدیگر و تلاش برای جلوگیری از انتشار پیام ها و رسیدن رهنمودها به مردم، شاهدیم که هر روز تعداد زیادی عکس و فیلم در اینترنت منتشر میشود. هر کس با يك موبیل میتواند خبرنگاری کند. پیام رد و بدل کند. عکس بگیرد. از طریق نت اخبار را فوراً منتشر کند. و به اینها نقش تلویزیون را باید اضافه کرد. شاهدیم که مردم در ابعاد بیسابقه ای به کانال جدید، و یا آنطور که خودشان میگویند کانال انقلاب روی آورده اند. میبینیم که کانال جدید با ده ها میلیون مردم شبانه روز در تماس است. قدرشان را به آنها نشان میدهد. دستشان را در دست هم میگذارد. در باره موانع مبارزه و راه های پیشروی صحبت میکند. نقش کانال جدید بوضوح قابل رویت است. کانال جدید صدا و سمیای مردم است. باید بتواند به کار خود ادامه دهد. همه کسانی را که به نقش آن واقفند فرا میخواند که برای آن کمک مالی جمع آوری کنند.*

اینها نهایتا انتقادشان متوجه بخشی از جمهوری اسلامی است. با انتخابات آن مشکل دارند نه با کل این حکومت. به جنایات يك جناح آن اعتراض دارند و نه به کل این حکومت. این دلیل دعوت اینها از مردم برای خاموشی است. و ما باید دست این ها را رو کنیم. ترس اینها از حضور مخالفین جمهوری اسلامی و از طرح شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم، از همینجا مایه میگیرد.

انترناسیونال: تا کنون اشکال اعتراضی در خارج کشور اساسا به صورت برگزاری تظاهرات بوده است. علاوه بر تظاهرات، ایرانیان و مردم آزادیخواه در خارج کشور به چه اشکال دیگری می توانند این اعتراضات را دنبال کنند؟ در اخبار آمده بود که در اتریش يك ایرانی ساکن این کشور به سفارت جمهوری اسلامی می رود و در و دیوار سفارتخانه را پراز عکس تظاهرات می کند که البته کار به زود خورد درگیری و دخالت پلیس می انجامد. خلیل کیوان: اقدامات گسترده ای میتواند در دستور قرار گیرد. ایجاد نمایشگاه های عکس از جنایات جمهوری اسلامی، برپائی غرفه های اطلاع رسانی در مورد آنچه در ایران میگردد. نوشتن مطلب در باره حقایق جامعه ایران، حضور در پانل ها و مناظره ها و گفتگو در رسانه ها و برگزاری کنسرت و شب های همبستگی، فعال کردن کارهای لابی ایستی و درخواست از اتحادیه ها و نهادهای بشر دوست و شخصیت های هنری و علمی و سیاسی برای حمایت از مبارزات مردم ایران از جمله این اقدامات است. میتوان نهادهائی در دفاع از مبارزات مردم ایجاد کرد.

انترناسیونال: چشم انداز اعتراضات در خارج کشور را چگونه می بیند و مطالباتی که باید در دستور این اعتراضات باشد را چگونه فورموله می کنید؟

خلیل کیوان: روشن است که اعتراضاتی که امروز در خارج شاهدیم تا حد زیادی تابع اعتراضات



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

ده خواست فوری مردم



حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته

۲- آزادی زندانیان سیاسی

۳- لغو مجازات اعدام

۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی

۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد

۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و حزب

۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سعید یوزی، کاوه مظفری، جعفر عظیم زاده، غلامرضا خانی از دستگیر شدگان اول مه از زندان آزاد شدند

به بازگرداندن سعید رستمی از کارگران دستگیر شده اول مه به افغانستان شدیداً اعتراض کنیم

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان است. اخراج سعید رستمی کارگر افغانی از ایران را با تمام قوا باید محکوم کرد.

کمیته مبارزه

برای آزادی زندانیان سیاسی مرگ بر جمهوری اسلامی زندانی سیاسی آزاد باید گردد زنده باد اول مه مه روز جهانی کارگر ۴ تیر ۸۷- ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

shahla_daneshfar@yahoo.com

دستگیر شدگان اول مه و اوج گیری جنبش انقلابی مردم ناگزیر به آزادی دستگیر شدگان اول مه شد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، آزادی جعفر عظیم زاده، سعید یوزی، غلامرضا خانی و کاوه مظفری را به خانواده هایشان و به همه انسانهای آزادخواه تبریک میگوید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اقدام ضد انسانی و فاشیستی جمهوری اسلامی را مبنی بر اخراج سعید رستمی به افغانستان شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط

البرز از زندان آزاد گردیدند.

بلین ترتیب دو نفر دیگر از دستگیر شدگان اول مه به اسامی مهدی فراهی شاندیز و سعید رستمی همچنان در زندانند. مهدی فراهی شاندیز قرار است در قبال ۱۰۰ میلیون وثیقه آزاد شود. و جمهوری اسلامی در پی سیاست فاشیستی خود اعلام کرده است که سعید رستمی به عنوان یک کارگر مهاجر افغانی از ایران اخراج و به افغانستان بازگردانده میشود.

جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات گسترده برای آزادی

زندان آزاد شدند و به آنان شاخه های گل تقدیم شد. همچنین دوشنبه عصر جعفر عظیم زاده رییس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و غلامرضا خانی عضو سندیکای شرکت واحد در میان استقبال خانواده ها و تعدادی از فعالین کارگری و کارگران مراکز کارگری از جمله کارگرانی از صنایع فلزی و لاستیک

سه شنبه شب دوم تیرماه، سعید یوزی از اعضای کمیته بیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری و روز چهارشنبه کاوه مظفری روزنامه نگار که در مراسم اول مه امسال در بارک لاله دستگیر شده بودند، در قبال ۵۰ میلیون وثیقه و در میان استقبال برشور خانواده هایشان و تعدادی از کارگران و انسانهای آزادخواه از

سوسیالیسم بیا خیز!
برای رفع تبعیض

جمعه ۲۶ ژوئن (۵ تیر)

روز همبستگی جهانی با کارگران در ایران

در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریها و یا میداین شهرها یکصدا بگوئیم:

حکومت اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم!

بدعوت اتحادیه های کارگری جهان جمعه ۲۶ ژوئن یک حرکت بین المللی در حمایت از کارگران ایران برپا میشود. این فراخوان با شروع خیزش انقلابی مردم در ایران، اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

مردم آزادیخواه، ایرانیان خارج کشور!

در هر کشوری که هستید در این روز بمیدان بیایید. در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگری های رژیم و یا در میداین شهرها تجمع کنید و از انقلاب مردم ایران به حمایت برخیزید. با برگزاری وسیعترین میتینگ ها از خواسته های کارگران و مردم برای کسب آزادی و برابری و تحقق یک حکومت انسانی قویا پشتیبانی کنیم.

خیزش انقلابی مردم ایران، پایه های حکومت اسلامی را به لرزه در آورده است. حرکت انقلابی مردم ایران با حمایت و بسیج بین المللی می تواند و باید به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود. اعتراضات و میتینگ های ما در خارج کشور جزئی جدا ناپذیر از انقلاب جاری در ایران برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی است.

همه شما مردم آزادیخواه را فرا می خوانیم که در همایش های روز جمعه ۲۶ ژوئن وسیعا شرکت کنید.

کانادا - اتاوا:

جمعه ۲۶ ژوئن (۵ تیر) ساعت ۱۲ تا ۳ بعد از ظهر

مقابل سفارت رژیم اسلامی در اتاوا 245 Metcalfe Street, Ottawa
ساعت حرکت ۶ صبح روز جمعه در پمپ بنزین دان میلز و شپرد (ضلع شمال غربی)
تلفن تماس: +۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

کانادا - نکور

پنجشنبه ۲۵ ژوئن ساعت ۶ عصر از مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکوور کمیته بین المللی شورای کارگران ونکوور فراخوان به تظاهرات داده است. سازمانهای مختلف از جمله حزب کمونیست کارگری و فدراسیون پناهندگان ایرانی شرکت میکنند.

دانمارک - کپنهاگ

جمعه ۲۶ تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ - ساعت ۱۵ حرکت از مالمو ساعت ۱۳ صبح از مقابل محل لوکال فدراسیون واقع در Ystadvägen 42 تلفن تماس: +۴۶۷۰۳۶۳۸۰۸۸

فنلاند - هلسینکی

جمعه ۲۶ ژوئن ساعت ۱۱ مقابل سفارت جمهوری اسلامی در هلسینکی - Kuolssaarentie 9
تلفن تماس: +۰۴۰۹۱۱۱۹۰

آلمان - فرانکفورت

جمعه ۲۶ ژوئن از ساعت ۱۱ در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران
تلفن تماس: +۰۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

سوئیس - برن

جمعه ۲۶ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در برن
از ساعت ۱۲ ظهر

تلفن تماس: +۰۷۶۴۰۰۶۹۶۲

ساعت حرکت اتوبوس: ۱۰ صبح از بانهوف زوریخ و ساعت ۱۱ صبح از بانهوف شهر اراٹو

انگلیس - لندن

جمعه ۲۶ ژوئن در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۳:۳۰

16 Princes Gate, London SW7 IPT
نزدیکترین ایستگاههای قطار: Knightsbridge- High Street Kensington

اتوبوسهای شماره ۹، ۱۰، ۵۲
تلفن تماس: +۰۷۹۵۰۹۹۲۴۴۳۴

استرالیا - کنبرا

جمعه ۲۶ تظاهرات در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کنبرا -
ساعت ۱۲

این تظاهرات با همکاری اتحادیه های کارگری برگزار می گردد.
تلفن تماس: +۰۴۱۱۵۵۳۱۵۲

سوئد - استکهلم

جمعه ۲۶ تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران - ساعت بعدا اعلام می شود

تلفن های تماس: +۰۷۳۵۱۳۸۷۰۴ - +۰۷۳۹۸۶۸۰۵۱

نروژ - اسلو

جمعه ژوئن در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر

تلفن تماس: +۰۹۸۶۹۴۰۰۱

فرانسه - لیون

جمعه ۲۶ تظاهرات در مرکز شهر از ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰

تلفن تماس: +۰۶۳۶۳۳۹۰۵۴

هلند - آمستردام

جمعه ۲۶ تظاهرات در مرکز شهر (BURSPLEIN) از ساعت ۴ تا ۶ عصر

تلفن تماس: +۰۶۵۱۲۷۳۲۶۱

زنده باد همبستگی بین المللی در حمایت از مردم ایران!

زنده باد انقلاب علیه جمهوری اسلامی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

در دو هفته گذشته موج گسترده ای از مبارزه علیه جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی بر راه افتاده است. دهها هزار نفر از مردم آزاده که برای سرنگونی حکومت نکبت اسلامی روز شماری میکنند به خیابان آمده اند تا همبسته با مبارزه قهرمانه مردم در داخل ایران فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر دهند و خواهان محاکمه سران جنایتکار رژیم شوند. در این اعتراضات که دهها هزار نفر شرکت دارند واحدهای حزب کمونیست کارگری فعالانه حضور دارند و نقش مهمی در سازماندهی این اعتراضات بر دوش دارند.

فعالین و واحدهای حزب از جمله نقش مهمی در مقابله با به انحراف کشیدن مبارزه مردم توسط جریانهای ملی اسلامی و دست راستی و در جهت تعمیق این مبارزه و اتحاد مردم حول سرنگونی جمهوری اسلامی و خواسته های بحق اکثریت مردم ایران دارند.

کانال جدید در خارج کشور نیز نقش مهمی در گسترش این مبارزه و رساندن صدای اعتراض مردم پیدا کرده و به زبان اعتراض مردم در خارج کشور تبدیل شده است. انترناسیونال

اعتراض چهار فدراسیون بزرگ کارگری علیه جمهوری اسلامی

مردم ایران و برای برخورداری آنها از حقوق انسانی و حقوق اتحادیه ای تظاهرات خواهند کرد. این چهار اتحادیه بین المللی در پایان نامه خود به خامنه ای، درخواست های زیر را اعلام کرده اند: به رسمیت شناخته شدن آزادی بیان برای تمام ایرانیان، توقف تمامی اشکال سرکوب ها، آزادی تمامی فعالین کارگری، به رسمیت شناخته شدن تمام اتحادیه های مستقل کارگری و اجرای تمامی بندهای کنوانسیون های سازمان بین المللی کار، آی ال او، در ارتباط با کارگران ایران. انترناسیونال

کارگری روز چهارشنبه ۳ تیر (۲۶ ژوئن) نیز در نامه ای به علی خامنه ای، همبستگی ۱۷۰ میلیون عضو خود را با کارگران ایرانی که در تظاهرات روزهای اخیر در ایران شرکت کرده اند، اعلام کردند. در این نامه با اشاره به خواست کارگران و مردم ایران برای خواستهای برحقشان، بر آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی تشکل یابی به عنوان حق مسلم مردم تاکید شده است و به سرکوب تظاهرات مردم ایران در روزهای اخیر شدیداً اعتراض شده است. در این نامه همچنین گفته شده است که اعضای اتحادیه های بین المللی کارگری در همبستگی با

در پی فراخوان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، فدراسیون آموزش بین الملل و فدراسیون بین المللی کارگران صنایع کشاورزی، غذایی و خدمات که ۱۷۰ میلیون کارگر در سراسر جهان را در بر میگیرد، امروز در بیش از ۲۰ کشور جهان تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار میشود. این فراخوان در پی دستگیریهای اول مه در پارک لاله تحت عنوان عدالت برای کارگران و مردم ایران داده شد. فراخوانی که از سوی عفو بین المللی جهانی نیز مورد حمایت قرار گرفت. این چهار اتحادیه بین المللی

۲۶ ژوئن (۵ تیر) روز همبستگی جهانی

با کارگران ایران

به کارگران سراسر ایران: شیشه عمر رژیم جنایتکار در دستان شما!

کارگران!

در دست شماست. حتی تهدید توقف تولید و صدور نفت، توقف کار در مراکز بزرگ صنعتی و تولیدی و حمل و نقل بلافاصله رعشه مرگ بر پیکر حکومت قاتلین و دزدیهای اسلامی خواهد انداخت. اکنون که اتحادیه های کارگری بین المللی روز پنجم تیر ماه، ۲۶ ژوئن، را روز همبستگی جهانی با کارگران ایران اعلام کرده اند، فرصت مناسبی است تا در این روز علاوه بر خواسته های بلافصل خود، در اعتراض به جنایات اخیر جمهوری اسلامی، با خواست معرفی و محاکمه آمرین و عاملین کشتارهای روزهای اخیر و با خواست آزادی دستگیرشدگان روزهای اخیر و کلیه زندانیان سیاسی در همه جا دست به اعتصاب و اجتماع بزنید.

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران
زنده باد انقلاب
علیه جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ خرداد ۱۳۸۸، ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹

نیازی به تاکید نیست که این کوه جهل و جنایت و کثافت، این جمهوری اسلامی، قبل از هرکس بر علیه شما سرهم شده است. همچنین نیازی به گفتن نیست که انقلابی که علیه رژیم اسلامی براه افتاده است، بیش از همه به شما مربوط است. پیروزی این انقلاب، رهایی از شر حکومت ضد بشری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر، در گرو به میدان آمدن شماست. شما این قدرت را یک بار به دنیا نشان داده اید. آن نیرویی که ۱۷ شهریور و به گلوله بستن صف تظاهر کنندگان و برقراری حکومت نظامی شاه را به زانو درآورد، قدرت اعتصابات شما بود. اکنون که حکومت اسلامی و دیکتاتور مفلوکش برای بقاء کثیف خود دست به شنیع ترین جنایات علیه تظاهر کنندگان زده است، همه سرها بسوی شما برمیگردد.

کارگران نفت و مراکز بزرگ کارگری!

بویژه روی سخن با شماست. گلوگاه این جنایتکارترین رژیم سرمایه داری



مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!